

تبیین و طبقه بندی اختلافات مرزی در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی

محسن جان‌پرور*

ریحانه صالح‌آبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

چکیده

یکی از مباحث مهم در مورد مرزهای بین‌المللی، اختلافات مرزی است که در بیشتر مناطق جهان به اشکال مختلف قابل مشاهده است و تأثیر زیادی برنوع و سطح روابط کشورها نیز دارد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که به تشکیل ۵ جمهوری مستقل انجامید مسائلی را در ارتباط با امنیت ملی کشورها و چالش‌های مرزی پیش روی جوامع استقلال یافته قرار داد. سوالی که مطرح می‌شود این است که چه عواملی باعث شده‌اند برخی اختلافات مرزی در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی به وجود آید؟ مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در منطقه آسیای مرکزی به انجام رسیده است. ضمن استخراج عوامل مؤثر بر اهمیت اختلافات مرزی در مرزهای آسیای مرکزی با استفاده از تکنیک مدلسازی ساو وزن این شاخص‌ها را بدست آورده و آن‌ها را سطح‌بندی نمودیم. نتایج تحقیق حاضر که برگرفته از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی است نشان دهنده آن است که ۱۶ عامل بر اختلافات مرزی منطقه تأثیرگذار است. در میان این ۱۶ عامل مسائل مرزی، اختلافات ارضی و منابع مشترک مرزی بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است و عوامل سن مرز، تکامل مرز، موقعیت برجسته ژئواستراتژیکی، عملکرد مرزها و ... کمترین وزن را به خود اختصاص داده است. براین اساس، برای اینکه بتوان اختلافات مرزی و چالش‌های ناشی از آن را در طول مرزهای آسیای مرکزی بین همسایگان تا حد امکان کاهش داد و مرزها را جهت دستیابی به امنیت ملی و منافع ملی خوب کنترل و مدیریت کرد، باید عوامل مؤثر بر اختلافات مرزی به همراه سطح بندی آن‌ها به صورت کامل در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: مرز، اختلافات مرزی، منطقه ژئوپلیتیکی، آسیای مرکزی

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

* نویسنده مسئول: janparvar@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس





مقدمه

مرز ابزار پایه‌ای برای یک دولت محسوب می‌شود، زیرا هیچ دولتی بدون داشتن سرزمینی با مرزهای مشخص و معین نمی‌تواند پیشرفتی در امور خود داشته باشد. مفهوم مرزها برای اثبات حاکمیت یک حکومت و روابط آن با دولت‌های دیگر ضروری است (شوتار، ۱۳۸۶: ۱۹). نظام‌های قدرت رقیب یا یک نظام تک‌قطبی و حاکم بودن فضای امنیتی-نظامی در جهان از جمله عواملی است که می‌تواند در تشدید یا تخفیف اختلافات مرزی مؤثر باشد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۳۰). در این میان مطالعه اختلافات و بررسی شیوه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی در خصوص آن‌ها در نظام جهانی پیچیده کنونی از جهات متفاوت حائز اهمیت است. شناخت و درک ریشه‌ها و علل بروز و ظهور بحران‌ها، انواع بحران‌ها و تبعات و پیامدهای آن از یک سو و همچنین شناسایی راه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی در مواجهه با بحران‌ها از سوی دیگر، ضمن آنکه فهم جامع‌تری از محیط نظام بین‌الملل فراهم می‌سازد، می‌تواند در جلوگیری از بروز بحران‌ها و به حداقل رساندن آثار منفی آن‌ها یاری‌رساند. آسیای مرکزی منطقه‌ای است با ۶۰ میلیون جمعیت و ۳۹۹۴۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت، که نزدیک به ۱۰٪ مساحت قاره آسیا را به خود اختصاص داده است. کشورهای آسیای مرکزی از نظر ژئواستراتژیکی نقش برجسته‌ای در جهان ایفا می‌کنند، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان میان روسیه، چین و هند قرار داشته و در جنوب با ایران افغانستان و پاکستان هم‌مرز هستند. در تجزیه و تحلیل مقدماتی، نخست باید فضای امنیتی منطقه را مورد بررسی نظری قرار داد. منطقه آسیای مرکزی به دلیل گوناگونی و غنای منابع انرژی و بهره‌مندی از موقعیت راهبردی، به‌ویژه پس از فروپاشی کمونیسم، مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفت. منطقه آسیای مرکزی به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و دارا بودن ذخایر انرژی برای قدرت‌های بین‌المللی از جمله ایالات متحده آمریکا، قدرت‌های اروپایی، روسیه و چین از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و در دو دهه گذشته پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با رقابت این قدرت‌ها مواجه بوده است. در واقع ضعف‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای حوزه آسیای مرکزی که ناشی از فروپاشی و خلأ قدرت شوروی است، بستر مناسبی را

برای پذیرش رخنه خارجی و حضور بیگانگان فراهم آورده است. در این میان مطالعه اختلافات مرزی به‌ویژه در مناطقی که دارای منابع باارزش بالا و موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی هستند از جایگاه برجسته‌ای برخوردار می‌باشد. یکی از این مناطق با اهمیت و جایگاه برجسته مرزهای آسیای مرکزی است که اختلافات مرزی موجود در آن هر از چند گاهی زمینه چالش‌ها و درگیری‌های متعددی را بین کشورهای همجوار به وجود آورده است. بر این اساس، شناخت عوامل مؤثر بر اختلافات مرزی موجود در این حوزه و سطح بندی این اختلافات مرزی جایگاه برجسته‌ای در مطالعات مرزی دارا می‌باشد به نحوی که می‌توان با این شناخت چالش‌ها و درگیری‌های موجود در این فضا را تا حد قابل ملاحظه‌ای به‌ویژه برای جمهوری اسلامی ایران که دارای بیشترین تعداد همسایگان و منافع ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی است، کاهش داده و زمینه کنترل و مدیریت بهتر مرزها در این حوزه جهت دستیابی به منافع ملی و امنیت ملی را برای کشور فراهم آورد.

ادبیات و مباحث نظری

اختلافات مرزی: منظور از اختلاف مرزی، اختلاف دو کشور همجوار بر سر مرز مشترک از جنبه‌های مختلف مکانی، سرزمینی، عملکردی ... و در سطوح مختلف خرد تا کلان است. مراحل تحدید حدود و علامت‌گذاری که معمولاً همراه با قراردادهای مرزی صورت می‌گیرد، هیچ دولتی را از اختلافات مرزی مصون نمی‌دارد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۱۸). به عقیده اس. بی. جونز «مرز مثل پوست ممکن است مرض مربوط به خود را داشته باشد یا منعکس‌کننده امراض بدن باشد» (درایسدل، ۱۳۷۴: ۱۱۲). امروزه کمتر منطقه‌ای را در سطح جهان می‌توان یافت که در آن اختلافات مرزی بین کشورها وجود نداشته باشد. بر شمردن این نزاع‌های مرزی و سرزمینی به طور دقیق امکان پذیر نمی‌باشد. به گفته مارتین گلاسنر تعداد اختلافات مرزی عمده فقط در خشکی‌ها حدود ۱۰۰ مورد است که اگر جزایر مورد نزاع را نیز به حساب آوریم تعداد آن‌ها بسیار بیشتر خواهد شد (Glassner, 2004: 84). براین اساس، تحدید حدود و علامت‌گذاری و قراردادهای مرزی که آن‌ها را همراهی می‌کنند، منابع مشترک مرزی و سایر مسائل مرتبط



با مرزها، هیچ کشوری را از اختلاف‌های مرزی مصون نمی‌دارند. مرزهای تکامل نیافته به آسانی می‌توانند زمینه منازعه بین کشورها را فراهم آورند. اگر مرزها از نظر فیزیکی و قانونی امن باشند، تخصیص منابع یا برخی جنبه‌های عملکردی مرز ممکن است باعث بروز اختلاف‌ها شوند. البته باید در نظر داشت که، فاکتورهایی که همکاری‌های دو جانبه یا کشمکش‌ها در امتداد مرزهای بین‌المللی را تشویق می‌کنند از مسائل مختلفی در این زمینه ناشی می‌شود که هر دو بصورت مستقیم و غیر مستقیم از سیاست‌های ملی و منطقه‌ای و منافع ملی و ... تأثیر می‌پذیرند. این جنبه‌ها شامل استراتژی، مدیریت، اقتصادها، سیاست‌ها و فرهنگ می‌باشد (Prescott, 2008: 8). با وجود اهمیت بالایی که اختلافات مرزی دارا می‌باشند تقسیم‌بندی دقیق و کاملی در این زمینه وجود ندارد. پرسکات از جغرافیدانان سیاسی محسوب می‌شود که به‌طور مبسوطی بحث اختلافات مرزی را مورد توجه قرار داده است. بر اساس نظر وی اختلافات مرزی را می‌توان به چهار دسته اختلافات مکانی، اختلافات ارضی، اختلافات عملکردی و اختلافات ناشی از وجود یک منبع مشترک اقتصادی در مرز تقسیم کرد (Prescott, 1987: 93). اصطلاح عام «اختلافات مرزی» چهار نوع متفاوت از اختلافات مرزی میان کشورها را در بر می‌گیرد. اولین نوع این اختلافات، اختلافات قلمروخواهی^۱ است که در نتیجه علاقمندی هر کشور به تصاحب بخشی از سرزمین‌های مرزی کشور همسایه ایجاد می‌شود. نوع دوم به مشخص کردن جای دقیق مرز مربوط می‌شود و بیشتر به دلیل عدم توافق در تعبیر اصطلاحات به کار رفته در تعریف مرز در مراحل واگذاری، تعیین حدود یا علامت گذاری^۲ به وجود می‌آید و به اختلافات مرزی موقعیتی^۳ موسوم است. دسته سوم از اختلافات مرزی که به اختلافات مرزی کارکردی^۴ موسوم است، به کارکردها و نقش‌های حکومت در مرز مربوط می‌شود. این اختلافات زمانی بروز می‌کند که یکی از طرفین در تقویت سلطه خود بر عبور و مرور از طریق مرز، بیش از حد فعال و یا بیش از حد منفعل است. آخرین نوع اختلافات مرزی، یعنی اختلافات مربوط به بهره‌برداری منابع^۵

1. Territorial boundary disputes
2. Allocation, delimitation or demarcation
3. Positional boundary disputes
4. Functional boundary disputes
5. Resource development dispute

به استفاده از منابعی باز می‌گردد که در مسیر مرز قرار دارند، مانند رودخانه‌ها، معادن ذغال‌سنگ یا ذخایر نفت و گاز (ربیعی و جان پرور، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۰). اگر به مرزهای کنونی در کشورهای آسیای مرکزی بنگریم در می‌یابیم گذشته از علل متعدد و دخیل در ترسیم آن‌ها، این مرزها در طول دو قرن اخیر همواره محل تنش و اختلاف بوده است و در واقع کشورهای کنونی در این منطقه نیز خود میراث‌داران اختلاف‌هایی هستند که هم‌چنان در بسیاری از مناطق موجود بوده است. در این حال در آسیای مرکزی این اختلافات خود بر دو نوع بوده است، بخشی از این اختلافات ناشی از مشکلات مرزی شوروی با همسایگانی نظیر چین بوده است و بخشی دیگر نیز پیامد سیاست‌های اشتباه ترسیم مرزهای درونی جمهوری‌های شوروی (رمضانی بونش، ۱۳۹۰: ۱).

مرزهای کشورهای آسیای مرکزی: آسیای مرکزی نهفته در قلب اوراسیا است، که از ۵ جمهوری سابق اتحاد جماهیر شوروی (قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان) و همچنین شمال افغانستان و سین کیانگ اویغور منطقه خود مختار چین تشکیل شده است. به لحاظ موقعیت جغرافیایی، آسیای مرکزی در حد فاصل اروپا در غرب، آسیا در شرق، روسیه در شمال و جهان اسلام در جنوب قرار گرفته است. کشورهای این منطقه محصور در خشکی هستند و تنها به واسطه خاک کشورهای همجوار به آب‌های آزاد دسترسی دارند. منطقه آسیای مرکزی دومین ذخایر انرژی دنیا (نفت و گاز) را دربردارد. علاوه بر این، تعداد زیادی از معادن فلزهای کمیاب مثل طلا، مس، اورانیوم و فلزات سنگین در این منطقه واقع شده‌اند. این منطقه در محل برخورد و تقاطع فرهنگ‌های شرق و غرب، از جمله فرهنگ ترکی و اسلامی و از نظر تاریخی در مسیر جاده ابریشم، قرار گرفته است. با سلطه بیابان‌های کم ارتفاع، آب و هوا در آسیای مرکزی گرم و خشک است. بارش به صورت نامنظم و بسیار اندک است. تفاوت‌های روزانه و فصلی بسیار شدید است و درجه حرارت معمولی می‌باشد، به‌طوری‌که تابستان‌ها گرم و طولانی و زمستان‌ها سرد و مرطوب است. بارش سالانه در دشت تنها ۲۰۰-۸۰ میلی‌متر و متمرکز در فصل زمستان و بهار است، در حالیکه در نواحی کوهستانی حدود ۸۰۰-۶۰۰ میلی‌متر گزارش شده است. این منطقه دارای مناطق بسیار متفاوت از نظر آب و هوایی با خواسته‌های متفاوتی برای آبیاری و تأمین نیازهای



کشاورزی، صنعتی و خصوصی می‌باشد. کشورهای آسیای مرکزی تا قرن ۱۹ تحت کنترل امپراتوری روسیه بودند. انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ سبب سرنگون شدن جمهوری شوروی گردید. در واقع اتحاد جماهیر شوروی زمینه ایجاد کشورهای مستقل را در آینده فراهم نمود. در سال ۱۹۲۴ پس از برپایی حکومت بلشویک‌ها آسیا از نظر سیاسی در ارتباط با مسکو به سه بخش ۱- آسیای نزدیک منطقه قفقاز ۲- آسیای دور متصرفات سیری و سرزمین‌های خاور ۳- آسیای مرکزی حد فاصل آسیای دور و آسیای نزدیک تقسیم گردید (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). در مجموع می‌توان آسیای مرکزی را بخشی از آسیا دانست که شامل پنج جمهوری قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان است؛ به هر حال، در این مقاله مقصود از آسیای مرکزی همان پنج کشور فوق‌الذکر می‌باشد.

روش تحقیق

روش کلی تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و میدانی استفاده شده است. سؤالاتی که تحقیق حاضر در پی پاسخ‌دهی به آن‌ها می‌باشد عبارت‌اند از: عوامل مؤثر بر اختلافات مرزی در منطقه آسیای مرکزی کدام‌ها هستند؟ هر یک از عوامل مؤثر بر اختلافات مرزی در منطقه آسیای مرکزی چه وزنی دارند؟

در تحقیق حاضر عوامل مؤثر بر اختلافات مرزی در آسیای مرکزی از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی استخراج شده است و برای تعیین وزن عوامل مؤثر بر اختلافات مرزی موجود و رتبه‌بندی آن‌ها بر مبنای وزنشان از تکنیک تصمیم‌گیری مجموع ساده وزین SAW استفاده شده است. این تکنیک، زیر گروه روش‌های نمره‌گذاری در مجموعه روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه (MADM) بوده که به وزن‌دهی شاخص‌ها و رتبه‌بندی آلترناتیو‌ها بر مبنای وزن آن‌ها می‌پردازد و روش مناسبی جهت طبقه‌بندی اختلافات مرزی موجود در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، بر مبنای درجه اهمیت و میزان تأثیر آن‌ها در این اختلافات می‌باشد. تکنیک‌های MADM مبتنی بر ماتریس تصمیم هستند. در تکنیک SAW، ابتدا باید به رتبه‌بندی معیارها پرداخته، سپس

وزن دهی انجام شود. در این پژوهش، برای رتبه‌بندی معیارها از پرسشنامه نخبگی استفاده شده است. بدین ترتیب که پرسشنامه‌ای تنظیم و بین ۳۰ نفر از متخصصان مرتبط با موضوع مورد نظر پژوهش توزیع شده تا این متغیرها را بر اساس وزن و درجه تأثیر بر اختلافات مرزی در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی رتبه‌بندی نمایند. سپس، با استفاده از تکنیک SAW، به سطح بندی نهایی متغیرها پرداخته شده است.

جدول ۱. ماتریس تصمیم

معیار گزینه	X ₁	X ₂	X _n
A ₁			
A ₂			
A _n			

یافته‌های تحقیق

تبیین اختلافات مرزی در منطقه آسیای مرکزی: در ایجاد و تشدید اختلافات مرزی بین کشورهای آسیای مرکزی عوامل مختلفی تأثیرگذار هستند که به اختصار مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اختلافات ارضی: هر سرزمین دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را ارزشمند می‌کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از منابع طبیعی، بهره‌وری زمین، جمعیت (گورز و دیل، ۱۹۹۲)، موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و غیره. این اهمیت و ارزش سرزمین‌ها به صورت‌های مختلف زمینه اختلاف و درگیری بین حکومت‌ها و دولت‌ها برای دستیابی به این فضاها فراهم کرده است. به نحوی که می‌توان گفت که اختلافات بر سر کنترل و مالکیت سرزمین از مهم‌ترین عوامل معمول مناقشات و جنگ‌ها است (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۴۹). براساس واقعیات موجود، مرزهای ملی فعلی در آسیای مرکزی، در نیمه دوم دهه ۱۹۲۰ به طور یکجانبه از سوی شوروی سابق تعیین شدند و سال‌های بعد، مسکو به استثنای تغییرات جزئی، به هیچ یک از جمهوری‌های منطقه حق بازنگری

1. Gertz and Diehl

اساسی در این زمینه را نداد. باوجود قاطعیت کرملین هر از چند گاهی برخی کشمکش‌ها و درگیری‌های مرزی در آسیای مرکزی بروز می‌کرد که بیشتر با انگیزه اقتصادی بود. خطوط مرزی میان کشورهای منطقه در زمان شوروی به صورت نسبی یعنی بدون علامت‌خاص مرزی وجود داشت، باتوجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی بخشی از خاک یک جمهوری به راحتی در اختیار جمهوری دیگر قرار می‌گرفت. مرزبندی‌های سیاسی جدید هرگز منطبق بر مرزبندی‌های فرهنگی و سوابق ذهنی گروه‌ها صورت نگرفت. به‌عبارتی دیگر این مرزبندی‌ها کمتر توجه جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی داشت (آیدین، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

جدول ۲. مهم‌ترین اختلافات ارضی در آسیای مرکزی

کشورها	اختلافات ارضی
ازبکستان- کشورهای منطقه	بخش‌هایی از قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان و تاجیکستان بر اساس ادعاهای تاریخی
قرقیزستان- ازبکستان و تاجیکستان	دره فرغانه، آنکلاوهای ازبکستان در خاک قرقیزستان، منطقه وارخ تاجیکستان در خاک قرقیزستان و چندین آنکلاو قرقیزستان در خاک ازبکستان
تاجیکستان- قرقیزستان	ناحیه اسفره در استان سغد، منطقه باتکن، منطقه وارخ
قرقیزستان- ازبکستان	مناطق شاهمردان و سوخ در وادی فرغانه را دارد که با جمعیت اکثراً تاجیک در قلمرو ازبکستان، منطقه اوش در قرقیزستان
ازبکستان- قزاقستان	۶۰ هزار کیلومتر مربع از قلمرو شمال ازبکستان که مورد اختلاف تاشکند و آستانه می‌باشد، از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۴۰ میلادی جزو قلمرو قزاقستان بوده است.
ترکمنستان- ازبکستان	ادعاهای ارضی در مورد بخش‌هایی از واحه Tazhaus، استان خوارزم، و Cardzhou

منبع: نگارندگان

اختلافات مرزی: به اختلافات ایجاد شده بر سر مکان دقیق مرز گفته می‌شود که ممکن است در اثر تفسیرهای گوناگون و بعضاً متضاد از اسناد قانونی یا تغییر مکان مرز طبیعی حاصل شوند. اختلافات ایران و عراق بر سر مرز اروند از نوع اول، و اختلاف ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند، و اختلاف نیجر و نیجریه بر سر رود نیجر از نوع دوم است، البته در تقسیم‌بندی دقیق تر می‌توان این مسائل مرزی را به صورت ذیل آورد:

دقت کم در تعیین خط مرزی؛ خط میانی در دریاچه‌های داخلی؛ عدم مشخص نمودن خطوط مرزی در بخشی از مرز مشترک؛ تعیین خط مرز به شکل غیر عادلانه و برخلاف عرف بین‌الملل؛ وجود ابهام در تشخیص و پیاده نمودن خط مرز بین دو علامت مرزی متوالی؛ بوجود آمدن ابهام بر اثر مرور زمان و تغییرات جوی؛ منطبق بودن خط مرز با عوارض طبیعی و مصنوعی ناپایدار؛ فاصله زیاد برخی از علائم مرزی متوالی (غیر مدرنیزه بودن مرز)؛ عدم دقت لازم در نقشه‌های تهیه شده؛ عدم دقت در پیاده نموده خطوط مرزی بر روی نقشه؛ ناقص بودن و یا عدم دقت در تعیین مختصات برخی از علائم مرزی و غیره (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۰۶). در آسیای مرکزی اختلافات به صورت جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳. مهم‌ترین اختلافات مرزی در آسیای مرکزی

کشورها	اختلافات مرزی
قرقیزستان- ازبکستان و تاجیکستان	در منطقه مرزی مزارع، معادن و ... وجود دارد که بیش از چند دهه به صورت اجاره بلندمدت واگذار شده
تاجیکستان - قرقیزستان	از ۹۱۱ کیلومتر مرز مشترک تاجیکستان و قرقیزستان همچنان ۴۷۷ کیلومتر علامت گذاری نشده
ازبکستان و قرقیزستان و تاجیکستان	عدم تعیین مرزهای دقیق در دره فرغانه با توجه به اقلیت‌ها
ازبکستان - تاجیکستان	واگذاری بخشی از استان‌های سمرقند، بخارا سرخان دریا به ازبکستان
قرقیزستان - قزاقستان و ازبکستان	منشأ گرفتن رود سیر دریا از قرقیزستان با کشورهای پایین دست رودخانه همچون قزاقستان و ازبکستان بر سر سهمیه بندی آب

منبع: نگارندگان

منابع مشترک مرزی: یکی از جلوه‌های حاکمیت، صلاحیت انحصاری دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی واقع در قلمرو آن‌ها و به تبع آن بازداشتن دولت‌های دیگر در استفاده از منابع بدون رضایت دولت‌های اخیر است (کا شانی، ۱۳۸۷: ۱۶۵). از آنجا که بیشتر مرزهای بین‌المللی از درون مناطق غنی از نظر منابع طبیعی عبور می‌کنند این امر سبب شده است که این منابع مشترک به مکان‌هایی برای رقابت و اختلاف بین دو کشور تبدیل شوند. در این میان، منابع مشترک با ارزش بالای اقتصادی همچون نفت و گاز از جایگاه برجسته برخوردار هستند و اغلب نقش مهمی در اختلافات مرزی و سرزمینی



پایدار و تنش‌زا بین دو کشور با مرزهای مشترک بازی می‌کنند (میرعباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۲-۹۱). بطور کلی مقوله انرژی، دارای ارزش و اهمیت بسیار تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل می‌باشد و وجود آن در هر منطقه جغرافیایی می‌تواند آن را تبدیل به یک عامل رقابت و کشاکش نموده و صف‌بندی‌ها و آرایش‌های سیاسی را حول آن شکل دهد. منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز پس از استقلال به دلیل ذخایر ارزشمند انرژی‌های فسیلی مورد توجه قرار گرفتند و به موازات افزایش تنش و بحران در خاورمیانه و اخیراً در امریکای لاتین و معارضه طلبی کشورهای دارای انرژی، ارزش و اهمیت آن به عنوان یک منبع با اهمیت آلترناتیو برای غرب دو چندان شده است. دو رودخانه اصلی در منطقه وجود دارد که در پنج کشور آسیای مرکزی جریان دارد. اگرچه تعداد رودخانه‌ها بسیار زیاد است صرفاً در تاجیکستان بیش از یک هزار رودخانه بزرگ و کوچک وجود دارد ولی عمده آن‌ها به همین رودخانه‌های اصلی منتهی می‌شوند که یکی از این رودخانه‌ها سیردریا است که از کوه‌های قرقیزستان سرچشمه می‌گیرد و درون قرقیزستان و تاجیکستان و ازبکستان جریان دارد و در نهایت به دریاچه آرال می‌ریزد و نقش مهمی در اقتصاد کشورهای پیرامون خود دارد. رودخانه دیگر آمودریا که از تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد و از طریق مرز تاجیک-افغانستان به داخل ازبکستان و ترکمنستان رفته و نهایتاً به دریاچه آرال می‌ریزد. به نوعی، منابع اصلی انرژی‌های فسیلی و آبی بین کشورهای منطقه تقسیم شده است. اگرچه از لحاظ ماهیت و نحوه بهره‌برداری ممکن است تا حد زیادی این دو نوع انرژی با یکدیگر تفاوت‌های عمده‌ای داشته باشند ولی از جهت میزان نیازمندی کشورهای منطقه هر دو حیاتی و با اهمیت هستند. صرفاً در تاجیکستان (۶۰٪ آب آسیای مرکزی قرار دارد و این کشور امکان تولید ۵۲۷ میلیارد وات ساعت برق را دارد) ولی هم‌اکنون از ۵٪ این ظرفیت بهره‌برداری می‌شود (<http://academ.aknet.kg>).

جدول ۴. درگیری‌های کشورهای آسیای مرکزی بر سر استفاده از منابع مشترک مرزی

شدت درگیری	درگیری‌های قومی و ارضی	نوع اختلافات	کاربر اصلی
------------	------------------------	--------------	------------

بالا	تنش‌های قومی بین ازبکستان و قرقیزاقستان در دره فرغانه	جریان‌ات پایین دست و بالادست قرقیزستان و ازبکستان
متوسط	استفاده تاجیک‌ها از دره فرغانه مورد رضایت ازبکستان نیست	جریان‌ات پایین دست و بالادست ازبکستان و تاجیکستان
بالا	تنش‌های قومی بین جمعیت ازبکستان و تاجیکستان	سیستم آبیاری به اشتراک گذاشته ازبکستان و تاجیکستان
کم	انتقال آب از سیردریا به قرقیزستان که مورد نارضایتی ازبکستان و قزاقستان است	جریان‌ات پایین دست و بالادست ازبکستان و قزاقستان
بالا	تقسیمات فرقه ای آمودریا بین گورنو و منطقه کورگان	جریان‌ات پایین دست و بالادست تاجیکستان
متوسط	تنش‌های قومی میان جمعیت ازبک و تاجیک؛ انتقال ر سد فوقانی زرافشان به ازبکستان	جریان‌ات پایین دست و بالادست ازبکستان
متوسط	ادعاهای ارضی در مورد بخش‌هایی از واحه Tazhaus، استان خوارزم، و Cardzhou در وسط آمودریا	جریان‌ات پایین دست و بالادست ترکمنستان و ازبکستان
متوسط	اهمیت Interrepublican. برای کاربران وبلاو پایین دست	انتقال آب ترکمنستان

منبع: نگارندگان

موقعیت ژئواستراتژیکی منطقه مرزی: جمهوری‌های پنج‌گانه آسیای مرکزی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند: آسیای مرکزی از لحاظ جغرافیایی در محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق واقع شده و از سوی شمال نیز به روسیه و از جنوب به جهان اسلام محدود است (مجتهدزاده، ۱۳۷۶: ۳۵)، آسیای مرکزی منطقه‌ای است محصور در خشکی، بی آنکه مستقیماً به دریا راه داشته باشد. لذا از طریق عبور از خاک همسایگانش به آب‌های آزاد جهان راه پیدا می‌کند (شوگوی، ۱۳۷۳: ۱۱۱)، این منطقه در محل تقاطع فرهنگی میان شرق و غرب واقع شده بطوری که با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوندهای دیرینه دارد. از نظر تاریخی هم منطقه مدت‌ها در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و فرهنگ غرب هم از همین مسیر به شرق نفوذ کرده است (حیدری، ۱۳۷۲: ۱۱۴)، از نظر ژئواستراتژیک آسیای مرکزی نمایانده گونه ویژه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها در بخش پهناوری از گیتی است. آسیای مرکزی تنها منطقه جهان است که چهار قدرت هسته‌ای



روسیه، چین، پاکستان و هند را به هم وصل می‌کند. همین ویژگی‌های منطقه سبب شده است تا کشورها هریک به تنهایی درصدد افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود با کمک قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی از طریق افزایش همکاری‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی برآیند و کمتر همسایگان خود را به عنوان یک متحد ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در منطقه مد نظر قرار دهند. باتوجه به نوپا بودن کشورهای منطقه و وجود اختلافات ارضی و مرزی بسیار این عوامل موجب گسترش تنش و درگیری بین کشورهای منطقه خواهد شد.

موقعیت ژئواکونومیک منطقه: آسیای مرکزی به لحاظ داشتن موقعیت جغرافیایی و منابع انرژی بعد از منطقه خلیج فارس از مناطق حساس جهان در تحولات آینده بین‌المللی می‌باشد. این منطقه که در تلاقی سه قدرت ایران، ترکیه و روسیه قرار دارد بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و تحولات افغانستان توجه ویژه کشورهای اروپایی و آمریکا را به خود جلب نموده است. کشورهای آسیای مرکزی با در اختیار داشتن منابع عظیم نفت، گاز، ذغال سنگ، اورانیوم، فلزات آهنی و غیرآهنی و استعدادهای کشاورزی، از بازاری رو به توسعه برخوردارند ولی به لحاظ کمبود منابع مالی، توان بهره‌برداری از آنان را ندارند. مطالعه عمیق تاریخ اقتصاد کشورهای جهان نشان می‌دهد که هیچ‌گاه ترکیب مطلوب و بهینه دولت و بازار در مدیریت جامعه تحقق نیافته و محوریت دولت در اقتصاد مشکلاتی را در توسعه اقتصادی ایجاد نموده است. کشورهای آسیای مرکزی با درک این واقعیت، خصوصی‌سازی را در اولویت کار خود قرار داده‌اند ولی ضعف مدیریت و موانع برجای مانده از سیستم گذشته مانع اجرای کامل این طرح شده است. به‌طور کلی خصوصی‌سازی در این کشورها به‌عنوان ابزاری جهت دستیابی به اهداف مهمی همچون استقلال اقتصادی، تأمین تقاضا و نیازهای جامعه، برقراری توازن اقتصادی، فراوری موادخام موجود و استفاده از ارزش افزوده آن، توسعه امکانات صادراتی، ایجاد اشتغال، جای‌گزینی کالاهای تولید داخل با کالاهای وارداتی صورت گرفته است. منابع نفت و گاز آسیای مرکزی توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و همچنین منطقه‌ای را به خود جلب نموده است. در پی آن خطوط انتقال انرژی این منطقه به صورت محور عمده رقابت و همکاری قدرت‌های منطقه‌ای و جمهوری‌های آسیای

مرکزی درآمده است. آسیای مرکزی بخش مرکزی اوراسیا هستند و از نقاط مهم ژئوپلیتیک در دنیا به حساب می‌آیند. اگر اتصال آسیای مرکزی به منطقه جنوب اوراسیا یعنی خلیج فارس را نیز در نظر بگیریم در آن صورت این منطقه بدون تردید مهم‌ترین منبع انرژی‌زای جهان و یکی از شاهراه‌های عمده ترانزیت و اقتصاد در دنیا به حساب می‌آید (سنایی، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۵۷). در نهایت می‌توان بیان کرد که آسیای مرکزی در بین صحنه‌های عملیاتی اوراسیا، جایی است که احتمال وقوع درگیری‌های نظامی بین روسیه با آمریکا و اروپا وجود دارد. چون در این منطقه فاصله جغرافیایی رویارویی قدرت‌ها به حداقل خود می‌رسد. از این نظر تحولات اوراسیا در این منطقه می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد (کریمی پور، ۱۳۸۳: ۱۸۸). باتوجه به موارد ذکر شده قدرت‌های جهانی می‌توانند از چالش‌های مرزی بین کشورهای منطقه برای رسیدن به اهداف خود سود جویند و در واقع با استفاده از اختلافات این قدرت‌ها و راه اندازی جنگ نیابتی به اهداف خود جامعه عمل بپوشانند.

استراتژی امنیتی متعارض: استراتژی امنیتی کشورها از جمله شاخص‌های مهم مؤثر در حل و فصل اختلافات مرزها است. به هر میزان که این استراتژی انتخاب شده از سوی کشورها با استراتژی امنیتی کشور دارای مرز مشترک نزدیک باشد زمینه تعامل و همکاری بین دو کشور برای حل و فصل اختلافات مرزها بیشتر فراهم می‌شود. از سوی دیگر به هر میزان که استراتژی امنیتی کشورها بر مبنای تعارض، دشمن تلقی کردن کشور مقابل و ... طراحی شود به همان میزان چالش‌ها، درگیری‌ها و نگرش‌های منفی را بین دو کشور گسترش داده و اختلافات مرزی بین دو کشور را برجسته‌تر می‌سازد. با تجزیه اتحاد شوروی، در مناطق گوناگون جمهوری‌های بازمانده از این تحول عظیم قرن بیستم، امواج ناامنی و بی‌ثباتی گسترش یافت. این حادثه سبب شد در آسیای مرکزی نیز، که در دوره اتحاد شوروی ثبات و امنیت داشت، دگرگونی‌های گسترده‌ای ایجاد شود. یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در وضعیت پس از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، تأمین امنیت و آرامش در این منطقه بوده، که جنگ داخلی خونین تاجیکستان اهمیت آن را روشن‌تر ساخت (کولایی، ۱۳۷۶: ۶۸). رهبران سابق نظام‌های کمونیستی در وضعیت جدید با تکلیف دشواری برای تحقق اهداف رشد و توسعه این کشورها مواجه



شده‌اند. اتکای آن‌ها به روسیه برای تأمین امنیت در دوران قبل از استقلال، آثار عمیق این رویکرد را در وضعیت جدید نیز ظاهر کرد. برای رهبران کشورهای منطقه، کسب همکاری و کمک از کشورهایی چون چین و روسیه، در تأمین این هدف تأثیر جدی داشته است. همکاری قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان با این دو کشور مجمع شانگهای ۵ را ایجاد کرد، که سپس به سازمان شانگهای تبدیل شد. پس از کودتای اوت ۱۹۹۱ و در آغاز فروپاشی اتحاد شوروی، ارتش این امپراطوری عظیم نیز دستخوش دگرگونی شد. عدم توافق درباره وضعیت آتی نیروهای نظامی در نخستین اجلاس سران جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع آشکار گردید. لازمه ایجاد ارتش‌های مستقل وجود آموزش‌های ضروری برای نیروهای مسلح است که این جمهوری‌ها فاقد آن هستند. در ادامه به تلاش هر یک از جمهوری‌ها در مسیر تشکیل ارتش‌های ملی به صورت خلاصه در جدول (۵) می‌پردازیم:

جدول ۵. خلاصه استراتژی‌های امنیتی کشورهای آسیای مرکزی

کشور	تعداد نیروها	توضیحات
قزاقستان	حدود ۶۴۰۰۰	در اوایل مه ۱۹۹۲ رئیس‌جمهور قزاقستان مقاله‌ای در روزنامه رسمی قزاقستانسکا یا پراودا درج کرد که بخش اصلی آن به مشکلات امنیتی قزاقستان و دگرگونی نظامی آینده آن کشور اختصاص داشت. او چهار اصل مهم را که سیستم امنیت ملی قزاقستان باید بر روی آن‌ها بنا گردد به این شرح عنوان کرد: تأمین امنیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشور ترجیحاً از طریق اقدامات سیاسی و تعمیق همگرایی اقتصادی؛ ایجاد نهادهای مسئول امنیت ملی که نسبت به دولت مرکزی و جامعه مسئول باشند؛ تداوم سطح گسترش نیروهای مسلح و تجهیزات نظامی تا جایی که برای مقابله با هرگونه تهدید نظامی واقعی کافی باشد؛ رعایت اصول دولت مشروع و هنجارها و قواعد حقوق بین‌المللی و همزمان با آن توجه به سنت‌های ملی و تاریخی و تجربه‌های بین‌المللی
قرقیزستان	حدود ۲۰۰۰۰	عدم تمایل جمهوری قرقیزستان برای ایجاد ارتش ملی از دو عامل ناشی می‌شود: دشواری‌های اقتصادی و درک ناتوانی آن جمهوری در تأمین امنیت خویش. افزون بر این، قرقیزستان بودجه بسیار محدود نظامی دارد که هیچ‌گاه به بالای یک میلیارد دلار نرسیده است. در نتیجه در سال‌های اخیر، طرحی از سوی وزارت دفاع این کشور آماده شده که هدف آن، انجام اصلاحات ساختاری در نیروهای دفاعی عنوان شده است. در عرصه روابط

نظامی، قرقیزها بیشترین روابط را با روسیه دارند. علت این امر تا اندازه‌ای در نتیجه وابستگی امنیتی و نظامی به روسیه است (ترابی، ۱۳۸۹: ۶۳-۸۰).		
دکترین نظامی ترکمنستان در سال ۱۹۹۶ به وسیله پارلمان این جمهوری تصویب شد بر این نکته تأکید داشت که این کشور وارد هیچ یک از بلوکهای نظامی یا پیمان‌هایی که مستلزم تعهدات متقابل و مسئولیت جمعی اعضا می‌باشد نخواهد شد. در حال حاضر ترکمنستان ۵۷۰ تانک، سه هزار و ۳۴۵ زره پوش، ۲۱۸ فروند هواپیمای نظامی و ۱۰ فروند بالگرد دارد (http://vista.ir/article/257909).	حدود ۵۰ هزار	ترکمنستان
بیشترین تحرک نظامی امنیتی در آسیای مرکزی در ازبکستان صورت پذیرفته است. از ژانویه ۱۹۹۲ اسلام کریم وف رئیس جمهوری این کشور گارد ملی را به وجود آورده و در تابستان همان سال نیز مراکز آموزش نیروهای نظامی را در اختیار خود درآورد. دولت ازبکستان تشکیل نیروهای زمینی، هوایی و مرزی را ضروری تشخیص داده، با اعزام پرسنل نظامی برای آموزش به خارج از مرزها موافقت کرد، زیرا در این کشور توان لازم برای آموزش‌های نظامی تخصصی وجود نداشت. هم‌اکنون تعداد نیروهای ازبکستان می‌باشد (تقوایی نیا، ۱۳۸۹: ۷-۱).	حدود ۵۰ هزار	ازبکستان
در تاجیکستان ارتش قابل بحثی وجود ندارد. در واقع یک گروه شبه نظامی وجود داشته که با تلاش وزیر دفاع وقت تاجیکستان در سال ۱۹۹۳ الکساندر شیشلیانکف روسی تبدیل به یک نیروی مسلح شد. بوده که با توجه به سیاست دولت مبنی بر صرف هزینه مضاعف در امور نظامی و امنیتی این آمار افزایش خواهد یافت (www.torghabehonline.com).	۳۰۰۰ نفر	تاجیکستان

روحیه و شخصیت رهبران کشورها: از ابتدای خلقت تاکنون، انسان به‌طور فطری در طی حیات خود همواره تلاش کرده است در حد توانایی‌اش، محدوده زندگی خویش را دور از خطر نگهدارد. و از ثروت‌ها و منابع موجود، بیشترین بهره را ببرد. خوی سودطلبی افراد و محدود بودن منابع ثروت‌ها در بستر زمان، سبب برخورد منافع و بروز اختلاف‌ها و تنش‌های فردی و گروهی و وقوع جنگ‌های خونین و ویرانگر شده است (تهامی، ۱۳۸۴: ۳۰). اما در این میان شخصیت برخی از افراد و رهبران به گونه‌ای است که اختلافات به ویژه اختلافات مرزی را تا حد قابل توجهی افزایش می‌دهد. بر این اساس می‌توان روحیه و شخصیت رهبران کشورها را به عنوان عامل دیگری که زمینه اختلافات مرزی را به وجود می‌آورد به حساب آورد. در این زمینه می‌توان به هیتلر و صدام اشاره کرد. این افراد با توجه به روحیه زیاده‌خواهی که داشتند، احساسات ناسیونالیستی مردم را به اندازه‌ای تحریک کردند که زمینه و توان درگیری و خشونت



سرزمینی را فراهم آورد (ربیعی و جان پرور، ۱۳۹۰: ۶۲). در منطقه آسیای مرکزی در زمان شوروی سابق و پس از آن کشورهای تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان همکاری خوبی داشته‌اند و این همکاری‌ها هنوز نیز ادامه دارد. مشکل اساسی در رابطه با ازبکستان است؛ این جمهوری می‌خواهد ژاندارم منطقه باشد و چهار کشور دیگر آسیای مرکزی در جهت منافع آن کشور فعالیت کنند. تا زمانی که سیاست مقامات تاشکند نسبت به سه کشور دیگر منطقه به خصوص تاجیکستان و قرقیزستان تغییر نکند، نباید انتظار نتایج مثبت و تغییرات بنیادین را در منطقه داشته باشیم. در مورد روابط نامناسب تاجیکستان و ازبکستان باید گفت که در سردی روابط و مناسبات این دو کشور آسیای مرکزی عوامل زیادی مؤثر بوده‌اند اما بزرگ‌ترین و پررنگ‌ترین آن اصول محافظت یا پشتیبانی از منافع مردم و دولت ازبکستان از جانب اسلام کریموف است. باید به این مسئله توجه داشت که مبنای اصول و مناسبات حکومت تاجیکستان و طراح اصلی آن امام‌علی رحمان می‌باشد که مهم‌ترین عامل سرد شدن مناسبات میان دو کشور است زیرا هر یک در ارائه اصول و قواعد کار سلیقه‌ای عمل می‌کنند. از سوی دیگر ضعف دیپلماسی تاجیکستان یکی دیگر از علل سردی مناسبات با ازبکستان می‌باشد. باوجود آنکه در فرهنگ آسیای مرکزی گفته می‌شود که همسایه را نمی‌توان انتخاب کرد، مشکلات اقتصادی و مهم‌تر از همه ضعف دیپلماسی تاجیکستان در مناسبات با همسایگان سبب شده است که در عرصه سیاست خارجی مناسبات تاجیکستان با ازبکستان مثبت ارزیابی نگردد. عموماً عدم اعتماد یک ضرر بزرگ در گسترش و رشد مناسبات بین کشورها است. در مجموع پس از کسب استقلال تاجیکستان در سال ۱۹۹۱ و به خصوص آغاز جنگ داخلی پنج‌ساله این کشور، ازبکستان از حامیان حکومت فعلی تاجیکستان یعنی امام‌علی رحمان بوده است ولی این حمایت به معنی آن بوده که در آینده مقامات دوشنبه باید زیر اطاعت تاشکند باشند نه حمایت از شخص امام‌علی و سیاست و اهداف او. این سیاست ازبکستان که با اهداف خاص همراه بود و ادامه نزاع‌ها و در نهایت پناه بردن محمود خدای‌بردیف، سرهنگ شوروی به کشور ازبکستان و حمله آشوبگران از سوی او در ماه ژانویه سال ۱۹۹۸، به مناسبات حسنه امام‌علی رحمان و اسلام کریموف به شدت لطمه زد. چنین به نظر می‌رسد که تاکنون روابط دو کشور تنها

در سطح دیپلماسی قرار دارد زیرا تاشکند افزون بر آن که همیشه مانع رشد اقتصادی و اجتماعی تاجیکستان بوده است. در این میان رهبران برخی کشورهای منطقه مانند ازبکستان تمایلاتی مبتنی بر رهبری منطقه و تشکیل ترکستان بزرگ را از نظر دور نمی‌دارند. این در حالی است که در قزاقستان نیز چنین تمایلاتی دیده شده است نظربایف اعلام کرد که مرزهای کنونی یادگار دوران بربریت‌اند بسیاری از تحلیلگران چنین جمله‌های را مبنی بر تمایل به رهبری ترکستان بزرگ، این بار با زعامت قزاقستان و در رقابت با ازبکستان تحلیل می‌کنند (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

عملکرد مرزها: به اختلافاتی گفته می‌شود که تأثیراتی بر حرکت مردم و کالا می‌گذارد و یا اشکالات محلی در بهره‌برداری از زمین و مدیریت بروز می‌کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اختلاف در مورد تشریفات قانونی از مرز است. این اختلاف عبارت است از میزان کنترل اعمال شده در عبور و مرور از مرز، از دولتی به دولت دیگر تفاوت می‌کند و اغلب منعکس‌کننده مناسبات سیاسی بین‌المللی است (معطل کردن مسافران، تشریفات سخت گمرکی و ...) (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۲۲). در منطقه آسیای مرکزی عملکرد مرزها تابع شرایط سیاسی است؛ به عنوان مثال دولت ازبکستان از طریق جاری کردن روادید در سال ۲۰۰۰ در رفت و آمد مردمان دو کشور ازبکستان و تاجیکستان که به لحاظ تاریخی فامیل بودند مشکلات جدی را به وجود آورد. این اقدام تند تاشکند موجبات جدایی تاریخی و فرهنگی اقوام را در منطقه قاچ خورده بعد از شوروی تشدید کرد. در یک اقدام دیگر دولت ازبکستان بیش از یک هزار موتورحامل کالای تاجیکستان را در قلمرو خویش که به مقصد ورود به تاجیکستان از خاک این کشور می‌گذشت توقیف کرد. دولت نذریف سخنگوی وزارت خارجه تاجیکستان در مورد توقیف این کالای این کشور در ازبکستان گفت: ازبکستان حدود یک ماه است بیش از ۱۰۰۰ واگن حامل کالا و مواد اولیه را که از ایران و روسیه به تاجیکستان فرستاده شده در ایستگاه‌های راه آهن خود توقیف کرده است (www.iransharghi.com). همچنین دولت ازبکستان در سال ۲۰۰۸ مصوبه‌ای را در مورد نظارت بر ورود، خروج و ترانزیت خودروهای خارجی تصویب کرد که براساس آن تعرفه ورود و ترانزیت و سایط نقلیه از تاجیکستان افزایش یافته است. این مصوبه برای ورود و ترانزیت و سایط خارجی از مرز



دولتی ازبکستان و تاجیکستان از اول سال ۲۰۰۹ میلادی قابل اجراست. براین اساس بعد از این و سایط باربری و مسافربری تاجیکستان در صورتی که بیش از سه روز در قلمرو ازبکستان بمانند برای هر روز اضافه ۷۰ دلار پرداخت می کنند. درحالیکه قبل از این، این نرخ برای وسایط باربری و مسافربری ۵۰ دلار بود.

سیاست های خارجی متعارض کشورهای منطقه: یکی از بنیادی ترین مباحث رفتار شناسی سیاست خارجی کشورها این است که در واقع سیاست خارجی، بازتاب نگاه یک کشور به سایر کشورها است. از دیدگاه سازه انگاری برای درک سیاست خارجی کشورها در کنار ساختارهای مادی باید به ساختارهای معرفتی، ایده ها، هنجارها و اندیشه ها نیز توجه داشت. هویت ها و منافع دولت ها را هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها می سازد همین فرایند است که تعامل میان دولت ها را به وجود می آورد (شفیعی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). با توجه به اینکه، در عرصه جهانی با توجه به روند رو به گسترش وابستگی کشورها به یکدیگر، نیاز رو به افزایش بهره برداری از منابع مشترک، بازیگری فعال در عرصه جهانی، توان تأثیرگذاری بر یکدیگر و ... سبب برخورد بیشتر منافع ملی، وابستگی امنیتی و ... در بین کشورها شده است و زمینه برای برجسته تر شدن اصول سیاست خارجی کشورها فراهم آمده است. بر این اساس، داشتن سیاست خارجی متخاصم و چالش ها با کشور همسایه بصورت های مختلف می تواند بر بروز اختلاف به ویژه اختلافات مرزی بین دو کشور تأثیرگذار باشد. تنظیم روابط با قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای از جمله روسیه یکی از موضوعات مهم در روابط خارجی دولت های آسیای مرکزی و قفقاز پس از استقلال بوده است. در این خصوص استراتژی این کشورها از یکدیگر متفاوت بوده است. برخی از کشورها مانند تاجیکستان و قزاقستان سیاست همکاری و همگرایی با مسکو را تعقیب کرده اند؛ ترکمنستان سیاست بی طرفی در منطقه را اتخاذ نموده است؛ کشورهایمانند ازبکستان و قرقیزستان در دوره هایی با توجه به شرایط کشور خود و منطقه، گاه از سیاست هم پیمانی با غرب و در مقاطعی دیگر از سیاست نزدیکی با روسیه پیروی کرده اند. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل مشکلات داخلی و دغدغه های امنیتی و به منظور تأمین منافع خود در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی همواره از استراتژی اتحاد و ائتلاف برای بیشینه کردن منافع خود استقبال کرده اند. به دلیل ملاحظات

امنیتی و اقتصادی، به ویژه ترس از سلطه روسیه، برخی از کشورها برای ایجاد توازن همواره نگاه به غرب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. (یزدانی و همی، ۱۳۸۷: ۴۰). آنچه در این‌جا مورد توجه است شدت و ضعف نگاه به غرب از سوی این کشورها می‌باشد. برخی از آن‌ها رویکرد هم‌پیمانی با غرب را دنبال می‌کنند و برخی دیگر از مزیت‌های اقتصادی غرب بهره می‌برند، ضمن این که به دلیل نگرانی‌های تاریخی از روسیه، تمایل دارند غرب را برای روز مبادا در کنار خود داشته باشند. در جدول (۶) خلاصه سیاست‌های خارجی متعارض کشورها بیان شده است.

جدول ۶. خلاصه سیاست‌های خارجی کشورهای آسیای مرکزی

کشور	توضیحات
ازبکستان	رویکرد سیاست خارجی ازبکستان همواره بین همراهی و یا تقابل با فدراسیون روسیه و ایالات متحده آمریکا متغیر بوده است. با در نظر گرفتن ازبکستان به عنوان یک جامعه توسعه نیافته از حیث اقتصادی و بسته از نظر سیاسی و نیز یک قدرت کوچک به این نتیجه رسیده است که اختلاف‌ها در آسیای مرکزی، رقابت روسیه و آمریکا در شکلگیری یک سیاست خارجی متغیر در جمهوری ازبکستان نقش ایفا نموده است. اتخاذ این نوع سیاست خارجی، پیامدهای مهمی چون تخریب وجهه ازبکستان به عنوان یک متحد قابل اعتماد، تشدید اختلاف‌های ازبکستان با کشورهای منطقه آسیای مرکزی، تضعیف سازمان پیمان امنیت جمعی، واگرایی در سازمان همکاری شانگهای و تشدید رقابت بین چین و روسیه با آمریکا در آسیای مرکزی را در پی داشته که بر تداوم شرایط ناپایدار امنیتی در منطقه آسیای مرکزی بسیار مؤثر بوده است (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).
ترکمنستان	روابط خارجی ترکمنستان، فاقد رنگ و بوی ایدئولوژیک، و بر اساس احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی، پرهیز از اختلاف و تشنج، اعتقاد به حل مسالمت‌آمیز اختلافات و پرهیز از استفاده از زور، استوار است. ترکمن‌ها پس از استقلال، روابط مبتنی بر حسن همجواری را با روسیه پایه‌ریزی کرده‌اند. روابط ترکمنستان با آمریکا حسنه است. ترکمن‌ها خواهان حمایت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا، و آمریکایی‌ها هم به منابع انرژی، استقرار در مرزهای شمالی ایران و حضور فعال در آسیای مرکزی می‌اندیشند. دو کشور فرانسه و ترکمنستان نیز علاقه زیادی به برقراری و گسترش روابط متقابل نشان داده‌اند. موضوع اصلی روابط ترکمنستان با اوکراین، گرجستان، ارمنستان، قزاقستان، ازبکستان و آذربایجان، در زمینه فروش گاز است. روابط ترکمنستان با افغانستان بی‌ثبات ولی با پاکستان، اسرائیل و چین گرم و صمیمی است. روابط ترکمنستان و ترکیه در همه ابعاد، در سطح بالایی قرار دارد. (کولایی، ۱۳۹۲: ۱۹۶-۱۷۳).
قزاقستان	پس از فروپاشی شوروی سابق، مقادیر زیادی از تسلیحات اتمی آن کشور در خاک قزاقستان باقی ماند، و قزاق‌ها را به دومین قدرت اتمی منطقه‌ای پس از روس‌ها تبدیل کرد. البته تلاش قزاقستان در نابودی تسلیحات اتمی و امضای قراردادهای منع تکثیر و تولید سلاح‌های کشتار جمعی، عزم این دولت را در غیر اتمی کردن قزاقستان نشان



می‌دهد. علاوه بر آن، دکترین نظامی قزاقستان بر ایجاد یک سیستم امنیت جمعی، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، آشکارسازی فعالیت و اقدامات نظامی و حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها و ... استوار است. قزاقستان دارای روابطی با خاورمیانه، آسیای جنوبی، استرالیا، ژاپن، چین، اتحادیه اروپا، آمریکا می‌باشد که در سیاست خارجی این کشور نقش مهمی ایفا می‌نمایند اما روابط این کشور با روسیه در اولویت قرار دارد (کاسنوف، ۱۳۷۴: ۱۶۰-۱۴۰).	
قرقیزستان مورد توجه چین، ترکیه، آمریکا، روسیه و ایران است. همسایگی قرقیزها با مسلمانان ایالت سین کیانگ و پیوندهای قومی متقابل، یکی از دلایل توجه چین به قرقیزستان است. ترکیه نیز به منظور احیای هویت ترکی یا پان‌ترکسیم، سرمایه‌گذاری اقتصادی و فرهنگی در آن کشور انجام داده است. همچنین، آمریکا به منظور توسعه و تحکیم نفوذ خود در آسیای مرکزی، نگاه استراتژیک به قرقیزستان دارد. حضور فراوان روس‌ها و آثار فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ناشی از آن، روسیه را به گسترش روابط و قرقیزها را به پرهیز از هر گونه تنش در روابط با مسکو واداشته است. گسترش روابط ایران با قرقیزستان به انگیزه‌های انسانی و اسلامی صورت می‌گیرد و این دو کشور به دلیل برخورداری از اشتراکات فرهنگی و دینی، از زمینه و امکانات بیشتری برای توسعه روابط متقابل و همکاری‌های منطقه‌ای بهره‌مندند.	قرقیزستان
تاجیکستان برای حفظ موجودیت نظام که به دلیل ضعف امنیتی و همجواری با کشوری چون افغانستان با مشکلات قاچاق مواد مخدر و اسلحه و نیز همسایگی با ازبکستان با سابقه مخالفت دیرینه با تاجیکستان و اختلافات جدی در مورد ایجاد سد و نیروگاه‌های برق آبی در تاجیکستان و یا وجود اقلیت‌های ازبک و تاجیک در داخل کشورهای خود و همچنین نداشتن یک ارتش قوی و منسجم به شدت به روسیه وابسته است به گونه‌ای که رئیس جمهور تاجیکستان نیز این موضوع را بارها اعلام کرده است که به آن اشاره گردید. متغیر بسیار مؤثر دیگر بر سیاست خارجی دولت تاجیکستان ضعف شدید اقتصادی این کشور است و همین عامل نیز سبب گردیده که این کشور در سیاست خارجی خود به دنبال ارتباط با اروپا، آمریکا و چین باشد؛ چرا که روسیه توان اقتصادی چندانی برای سرمایه‌گذاری در تاجیکستان ندارد. مسئله محصور بودن این کشور در خشکی نیز مطرح می‌باشد که این کشور را به روسیه و ازبکستان وابسته کرده است و به همین دلیل نیز دوشنبه سعی می‌کند با دولت تاشکند روابط خوبی داشته باشد (امیر احمدیان، ۱۳۹۱: ۵۵-۳۲).	تاجیکستان

بحران مشروعیت در کشورهای منطقه: سخن از مشروعیت علی‌الاصول به سخن از باورها و قضاوت‌های افراد جامعه باز می‌گردد. برخی از نویسندگان این تعریف را متأثر از نظریه مشروعیت ماکس وبر می‌دانند که بر مفاهیم کلیدی همچون موظف کردن، حق دادن و وظیفه استوار است (زارع، ۱۳۸۰: ۲۷). مفهوم مشروعیت را می‌توان به گونه‌ای تجربی و از طریق سنجش اعتماد مردم به نهادهای موجود، ایمان به رهبران و میزان حمایت از رژیم‌ها مورد بررسی قرار داد. چنانچه مردم باور داشته باشند که نهادهای

جامعه‌ای مفروض، مناسب و از نظر اخلاقی موجه است، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که نهادهای یاد شده مشروع است. اتکا به نظر شهروندان در باب مشروعیت در تعریف سیمور مارتین لیپست نیز آورده شده است. وی می‌گوید: مشروعیت، توانایی هر نظام در ایجاد و حفظ این باور است که نهادهای سیاسی موجود، برای جامعه مناسب‌ترین است (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۲۵۰). دلیل اصلی بحران مشروعیت این واقعیت است که نشانه‌های خاص توسعه همواره میزان درک تعداد بیشتری از مردم را بالا می‌برد، لذا از حیث روانشناختی فرآیند توسعه، فرآیندی افزایش‌دهنده است (دهاقانی، ۱۳۸۳: ۱). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های آسیای مرکزی در مسیر انتقال از نظام‌های کمونیستی به نظام‌های مبتنی بر توسعه نفوذ و حضور مردم، حرکت کندی را در پیش گرفتند. روند غرب‌گرایی که از روسیه آغاز شده بود، در این منطقه نیز با تقلید از مدل‌های غربی ساختارهای سیاسی دنبال شد. اگرچه در این نظام‌ها ابتدا به حکومت‌های مبتنی بر قدرت پارلمان توجه گردید، اما با توجه به فرهنگ سیاسی نخبگان آسیای مرکزی، تعادل‌های مبتنی بر قانون اساسی و نهادهای واقعی قدرت سیاسی، در عمل دچار اختلاف شده‌اند. در این جمهوری‌ها، دموکراسی‌های پارلمانی به سرعت، جای خود را به نظام‌های اقتدارآمیز ریاست جمهوری داد (کولایی، ۱۳۷۶: ۷۲). ثبات و امنیت در آسیای مرکزی در گرو چالش‌های سهمگین داخلی است که ناشی از فقدان دموکراسی در کشورهای منطقه است. در اغلب این کشورها رهبران اهرم هدایت را در دست دارند و کشور را در باتلاق سوءمدیریت و فساد گسترده فرو برده‌اند. تاکنون تقریباً همه تلاش‌های اصلاحی در منطقه عقیم مانده است. این چالش‌ها نشان می‌دهد ثبات در منطقه آسیای مرکزی فقط دارای ابعاد نظامی و امنیتی نیست. فقر گسترده، فساد نخبگان حاکم و تقسیم قدرت میان خاندان‌ها و طوائف بر عمق و دامنه معضلات این کشورها افزوده است. همین نخبگان هستند که بیشترین رابطه را با غرب دارند نزدیکی به غرب را تبلیغ و ترویج می‌کنند. در این شرایط بحران مشروعیت دامنگیر همه کشورهای آسیای مرکزی و حتی برخی کشورهای پیرامونی آن شده است (هاشمی، ۱۳۹۳: ۱).

بنیادگرایی اسلامی: تمام کشورهای آسیای مرکزی تجربه ناخوش‌آیند سکولار شدن را در زمان شوروی پشت سر گذاشته‌اند و هر یک واکنش متفاوتی را در برابر آن از خود



نشان داده‌اند. ازبکستان امتیاز میزبانی SADUM و تنها مدارس دینی باقی‌مانده در منطقه را داشت. تأسیس سازمان‌های مخصوص مسلمانان در ازبکستان زمان شوروی، این امکان را فراهم ساخت که اسلام به بقای خود ادامه دهد؛ بنابراین، جای تعجب نیست که ازبک‌ها حرف اول را در نهادهای مسلمان مورد تأیید شوروی در آسیای مرکزی می‌زدند. از سوی دیگر، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان با فشار شدیدی برای کنار گذاشتن دین اسلام مواجه بودند؛ در نتیجه، اسلام به‌عنوان منبع هویت در برابر گسترش فرهنگ (ضد دینی و غیر قومی) شوروی عمل کرد و شکل زیر زمینی به خود گرفت. گروه‌های اسلام‌گرا اولین بار در جمهوری تاجیکستان شوروی به نفوذ سیاسی دست یافتند، اما چیزی نگذشت که این گروه‌ها در جمهوری‌های همجوار نیز سر بر آوردند؛ بنابراین، جوامع آسیای مرکزی از ابتدای دهه ۱۹۹۰، با چالش‌های اسلام‌گرایانه‌ای مواجه شدند که به دنبال ایجاد مقطعی جدید در منطقه، از طریق سرنگون ساختن رژیم‌های پس از شوروی بودند. تاجیکستان و ازبکستان به دلیل مشخص‌کنون توجه و فعالیت اسلام‌گرایان بودند و اکثراً از جمعیت‌هایی تشکیل شده‌اند که از مدت‌ها پیش زندگی یک‌جانشینی را اختیار کرده و قرن‌ها پیش به اسلام گرویده و هویت دینی خود را در سراسر دوران شوروی حفظ کرده بودند. ازبک‌ها و تاجیک‌ها سابقه دیرینه‌ای در بسیج کردن مردم بر محور اسلام دارند (برای مثال، قیام باسماچی‌ها)؛ بنابراین، گروه‌های اسلامی تندرو در صدد برآمدن از این تجربه تاریخی برای راه‌اندازی شورش علیه نخبگان کشورهای آسیای مرکزی بهره‌گیرند. قزاق‌ها و قرقیزها که نوادگان اقوام کوچ‌نشین هستند نشان داده‌اند که کمتر مستعد پذیرش ایدئولوژی‌های اسلامی‌اند، اگر چه گروه‌های اسلامی رادیکال به کشورهای آن‌ها نیز وارد شده‌اند. مشارکت IRPT، متحد با پیکار جویان اسلامی ازبک، در جنگ داخلی تاجیکستان، نوعی ترس را در سراسر منطقه به وجود آورد و این‌گونه القا کرد که آسیای مرکزی در کانون اسلام‌گرایی قرار دارد. رویکرد ارباب مآبانه دولتی به اسلام، که در تمام این چهار کشور مشاهده می‌شود، نشانه بدگمانی شدید به دین اسلام است؛ بدگمانی که به‌جا مانده از عصر شوروی است. هم‌چنین، رهبران آسیای مرکزی دریافته‌اند که کشورهای منطقه، به درجات گوناگون، دین را الگوی جانشینی برای سازماندهی سیاسی می‌دانند. افزایش

جاذبه اسلام سیاسی حکایت از آن دارد که دولت‌های منطقه در ارائه چشم‌اندازی سیاسی، که امید به آینده‌ای بهتر را زنده کند، ناکام مانده‌اند؛ رژیم رحمان تا تاجیکستان در ابتدا به جنگ با UTO (اپوزیسیون متحد تاجیک) روی آورد که تحت سلطه اسلام‌گرایان بود، اما پس از آن حاضر شد دشمنان سابق خود را وارد دولت کند. رئیس‌جمهور کریموف در ازبکستان نیز به محض آن که قدرت را در دست گرفت، به رویارویی با پیکار جوانان اسلام‌گرا پرداخت، در حالی که خود از شکل ملی‌گرایانه‌ای از اسلام حمایت می‌کرد که موجب تقویت مبانی قدرت وی شود. نظریات و آقایی هم به ترتیب در قزاقستان و قرقیزستان کوشیدند حکومت‌های سکولار برپا کنند، هر چند قبول داشتند که اسلام، دین غالب در کشورهايشان است (کاراجیانس، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

حضور و دخالت نیروهای مداخله‌گر: تهدیدهای امنیتی برآمده در منطقه آسیای مرکزی، به طور خاص با موضوع فروپاشی اتحاد شوروی و تحولات رخ داده در نظام بین‌الملل در پی این واقعه ارتباط دارد. در این سطح، تأثیر فروپاشی شوروی بر منطقه آسیای مرکزی مورد اشاره قرار می‌گیرد. از دیرباز در ادبیات ژئوپلیتیک روابط بین‌الملل نظریه قلب زمین هالفورد مکیندر دارای اهمیتی ویژه تلقی می‌شد. بر این اساس، دور از انتظار نبود که پس از فروپاشی شوروی و با برداشته شدن سلطه این ابرقدرت از سرزمین‌های اوراسیا، توجه به این منطقه ناگهان افزایش یابد. نظریه‌های ژئوپلیتیکی ارائه شده پس از پایان جنگ سرد، تأییدکننده این ادعا است. در مشهورترین نمونه از این نظریه‌ها، زیگنیو برژینسکی، مشاور اسبق امنیت ملی ایالات متحده، به تبیین دیدگاه خود در رابطه با ژئوپلیتیک جهانی در دوران پس از جنگ سرد پرداخت. وی منطقه اوراسیا را مهم‌ترین غنیمت ژئوپلیتیکی برای آمریکا دانسته و تفوق جهانی آمریکا را مستقیماً وابسته به برقراری و تداوم سلطه بر اوراسیا می‌داند. نکته قابل توجه اینکه هم در نظریه مکیندر و هم برژینسکی، بخش عمده‌ای از اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه اوراسیا، به دلیل وجود منابع طبیعی است. به این ترتیب رقابت قدرت‌ها در منطقه بیشتر برای دسترسی به منابع انرژی منطقه آغاز شد. این رقابت که یادآور رقابت‌های روسیه و انگلیس در منطقه در قرن نوزدهم بود، سبب شد تا تحلیل‌گران از اصطلاح بازی بزرگ جدید برای توصیف آن استفاده کنند کشورهای واقع در این منطقه در میانه رقابتی قرار گرفتند که می‌توانست



چالش‌ها و فرصت‌های متنوعی را برای آنان به همراه داشته باشد (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۷). در حال حاضر، دیگر تعریف سنتی از آسیای مرکزی به‌عنوان گروهی متشکل از پنج کشور برای تجزیه و تحلیل‌های راهبردی و مباحث سیاست‌گذاری چندان مناسب و سودمند نیست، زیرا شبکه‌ای بدون مرز، آسیای مرکزی را به قفقاز جنوبی، افغانستان، پاکستان، ایران، ترکیه و استان سین‌کیانگ چین متصل می‌سازد. این آسیای مرکزی با چنین فراخی وسعت، باعث حضور جدی و عمیق قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در این منطقه شده است که همه این قدرت‌ها حضور، دخالت یا رابطه خود با کشورهای آسیای مرکزی، به امنیت خود یا سابقه همسایگی پیوند می‌دهند و چنین حضوری جز ناامنی و بی‌ثباتی داخلی این کشورها و منطقه و در نهایت جهان چیزی دربر ندارد و موجب برخورد کشورها یا قدرت‌های بزرگ در بخشی از منطقه انرژی‌گاه جهان می‌شود که همه جهان دیگر را از حضور خود و بی‌ثباتی منطقه‌ای ایجاد شده، متأثر می‌سازد (اعظمی، ۱۳۹۱: ۳۸).

جدول ۷. دخالت برخی قدرت‌ها در آسیای مرکزی

اهداف آلمان در آسیای مرکزی	ابزارهای مورد استفاده
موازی با اتحادیه اروپا، جلب تدریجی منطقه در مدار نفوذ خود، دسترسی به منابع انرژی و بازارهای منطقه، جلوگیری از مهاجرت آلمانی‌های آسیای مرکزی به این کشور	اقلیت‌های آلمانی در آسیای مرکزی مخصوصاً قزاقستان، تأسیس دانشگاه و مراکز علمی مانند دانشگاه آلمانی - قزاقی در آلماتی، کمک‌های مالی و تکنولوژیکی...، تأسیس پایگاه‌های نظامی مانند ترمز در ازبکستان
اهداف هند از حضور در آسیای مرکزی	ابزارهای مورد استفاده برای حضور در آسیای مرکزی
جلوگیری از رشد بنیادگرایی و طالبان و القاعده در منطقه، ایجاد موازنه در مقابل سایر قدرت در منطقه (طبق استراتژی کلان هند، محیط منطقه‌ای)، دستیابی به منابع انرژی منطقه با توجه به رشد سریع اقتصادی هند، جلوگیری از نفوذ پاکستان و تشکیل کمربند اسلامی	حضور در سازمان همکاری شانگهای (به عنوان، عضو ناظر، اعطا کمک مالی صورت امتیاز تجاری، مقابله با تروریسم و بنیادگرایی، سرمایه گذاری و همکاری‌های آموزش و تکنولوژیکی و غیره مشترک.
اهداف ترکیه در آسیای مرکزی	ابزارهای مورد استفاده

گسترش نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی، ارائه الگوی حکومت غیر مذهبی و مدل ترکیه، ارائه اندیشه فرهنگ ترکی و اتحاد بین کشورهای آسیای مرکزی، ارائه کمک‌های اقتصادی مالی و فنی در جهت نفوذ، جلوگیری از گسترش اصول گرایی اسلامی و تفکر انقلابی، سعی در ارائه نقش برادر بزرگ‌تر در بین جمهوری‌های برای نفوذ هر چه بیشتر.	کمک‌های اقتصادی، اعطا بورس تحصیلی، اعطای اعتبار بانکی، تأسیس دانشگاه و مراکز آموزشی مشترک، تأسیس مدارس دینی (توسط جنبش گولن)، تأسیس آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (تیکا، البته تیکا منحصر به آسیای مرکزی نبوده و در تمامی مناطق دنیا ابزار برای نفوذ ترکیه محسوب می‌شود)، تأسیس سازمان بین‌المللی فرهنگ ترکی، مجمع پارلمانی کشورهای ترک زبان (ترک‌پا)، شورای کشورهای ترک زبان، آکادمی ترک، تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای (تی‌آرتی آواز و تی‌ام بی)
اهداف چین در آسیای مرکزی	ابزارهای مورد استفاده
بدست آوردن منابع طبیعی؛ تقویت روابط اقتصادی و تجاری؛ ایجاد یک محیط استقرار و پایدار در منطقه؛ همکاری با سایر قدرت‌ها برای مقابله با هژمونی ایالات متحده آمریکا.	سازمان شانگهای

منبع: نگارندگان

مسائل قومی - نژادی: اختلافات قومی و نژادی که با اختلاف سیاسی سران برخی از جمهوری‌های آسیای مرکزی و ادعاهای مالکیت یک کشور بر مناطقی از کشورهای دیگر همراه می‌باشد، تشدید شده است. اگر نگاهی به تاریخ اختلافات مرزی در آسیای مرکزی بیاندازیم، می‌بینیم که این موضوع در دوران اتحاد شوروی نیز مطرح بوده است. اما به دلیل سیاست‌های استبدادی شوروی ترجیح می‌داده‌اند، از صحبت کردن در مورد اختلافات مرزی و سرزمینی خودداری کنند. جدایی قومی در آسیای مرکزی در نیمه دوم دهه ۱۹۳۰ در قرن ۲۰ میلادی که دولت وقت شوروی مرزبندی میان جمهوری‌های آسیای مرکزی را انجام داد، به وجود آمده است. نکته جالب این است که احزاب کمونیست در قزاقستان و قرقیزستان در سال ۱۹۳۷ میلادی تأسیس شده‌اند. این در حالی است که مناطق مرزی بین ازبکستان و قزاقستان در دوران حکومت شوروی چهار بار از یک کشور به کشور دیگر واگذار شده‌اند. در حال حاضر ۶۰ هزار کیلومتر مربع از قلمرو شمال ازبکستان که مورد اختلاف تاشکند و آستانه می‌باشد، از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۴۰ میلادی جزو قلمرو قزاقستان بوده است. اگر این قلمرو را با مساحت کشورهای اروپایی نظیر سوئیس که ۴۱/۳ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد، مقایسه کنیم می‌بینیم که اختلاف کنونی ازبکستان



و قزاقستان بی دلیل نمی باشد. قلمرو یاد شده یکبار ضمیمه خاک قزاقستان می شود و مجدداً به ازبکستان واگذار می گردد. ازبکستان در سال ۱۹۵۶ میلادی یک میلیون هکتار زمین از قزاقستان تحویل گرفت. در سال ۱۹۷۱ میلادی سه شهر ستان در مرز این دو کشور به قزاقستان داده شد. ازسویی دیگر استان خودمختار قراقلپاق در سال های ۱۹۳۰-۱۹۳۵ میلادی جزو قزاقستان بوده است که در سال ۱۹۳۶ میلادی به بخشی از قلمرو ازبکستان تبدیل می شود. در موضوع تقسیمات مرزی ازبکستان و تاجیکستان نیز اختلافات زیادی وجود دارد. زیرا زبان تاجیکی متعلق به گروه زبان های ایرانی و ازبکی جزوی از زبان ترکی می باشد. براساس آماری که مردم شناسان در اوایل قرن ۲۰ میلادی ارائه کرده اند، تناسب جمعیتی ازبک ها به تاجیک ها در بخارا، سمرقند و وادی فرغانه ۳ به ۷ بوده است. اما پس از تأسیس جمهوری سوسیالیستی ازبکستان در دوران اتحاد شوروی، مقامات دولت تاشکند اقدام به تغییر ملیت تاجیک ها کرده و از طریق جبر و زور ترکیب قومی در این مناطق را به نفع ازبک ها تغییر داده اند. چنانکه در سال ۱۹۲۶ میلادی آمار دولت ازبکستان روند برعکس را نشان می داده است و تناسب جمعیتی ازبک ها به تاجیک ها، ۷ ازبک به یک تاجیک اعلام می گردد. در حال حاضر در مناطق سمرقند، بخارا، سرخان دریا و وادی فرغانه این تناسب به شدت به نفع ازبک ها در حال تغییر می باشد (اطهری، ۱۳۷۳: ۲۴۵). جالب آنجاست که خجند که از نواحی مهم ازبک نشین ازبکستان بود در سال ۱۹۲۹ به تاجیکستان واگذار شد و ماجرایی گسست از هویت و خاطره قومی به نحوی دیگر تکرار شد. در این میان تنها تاجیک ها نبوده اند که قربانی سیاست تبعیض نژادی ازبکستان شده اند. براساس آمارها تنها در استان اندیجان ۱/۵ میلیون نفر دارای شناسنامه با ملیت ازبکی هستند که حدود ۸۰-۶۵ درصد آن ها ایغور می باشند. به نظر می رسد، حاکمان فعلی آسیای مرکزی از این وضع راضی هستند و قصد ندارند شرایط را تغییر دهند. ولی نادیده گرفتن این موضوع به معنی عدم وجود اختلاف نمی باشد. زیرا در دوران شوروی اقدام به نوعی مرز بندی جغرافیائی شده است که اقوام ساکن در یک قلمرو جغرافیائی در یک دوره کوتاه از یکدیگر جدا شده اند. در حالی که آنان قرن های زیاد را با دین، فرهنگ، آداب و رسوم مشترک در کنار یکدیگر زندگی می کرده اند. چنانکه وادی فرغانه در بین سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان

تقسیم شده است. بر این اساس همواره خطر بروز درگیری و تنش میان این اقلیت‌ها وجود دارد. به عنوان مثال درگیری‌های سال ۲۰۱۰ میان ازبک‌ها و قرقیزها در شهر جنوبی اوش در قرقیزستان شکنندگی روابط میان گروه‌های قومی با ساکنان بومی را آشکار نمود. ابعاد این درگیری‌ها بسیار بزرگ بوده که طی آن عده زیادی کشته و زخمی شدند و همچنین جمعیتی بالغ بر پانصد هزار نفر خانه‌های خود را ترک نمودند و در حدود یکصد هزار نفر نیز به داخل مرز ازبکستان فرار کردند. این درگیری‌ها به استان جلال‌آباد نیز کشیده شد و این درگیری‌ها یادآور زد و خوردهای خونین اوایل دهه نود در جلال‌آباد بود که به کشته شدن ۱۵۰ نفر منجر گردید. در نتیجه به کارگیری سیاست‌های اتحاد شوروی، کشورهای آسیای مرکزی با اقلیت‌های قابل توجهی روبه‌رو هستند. با ترکیب جمعیتی کنونی در کشورهای منطقه، زمینه بالقوه وقوع بحران و درگیری‌های قومی و در صورت بروز، گسترش آن به کشورهای دیگر وجود دارد. این درهم‌تنیدگی، میان جمهوری‌های آسیای مرکزی پساشوروی با کشورهای همسایه مانند چین نیز وجود دارد وجود این ترکیب قومیتی حساس در منطقه، یکی از مهم‌ترین مشکلات امنیتی در آسیای مرکزی است که از مهم‌ترین تأثیرهای آن، امکان گسترش ناامنی و بی‌ثباتی از کشوری به کشور دیگر و نیز افزایش ظرفیت جدایی‌طلبی در این کشورها است (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۵).

تکامل مرز: مرزهای بین‌المللی برای اینکه به تکامل برسند باید مراحل مختلفی را بگذرانند. هر چند گفتنی است که همه مرزها الزاماً همه مراحل برای تکامل را به‌طور کامل طی نمی‌کنند. یک مرز تکامل یافته، مرزی است که توسط دو دولت ذیربط به رسمیت شناخته شده، علامت‌گذاری شده باشد و به‌طور کارآمدی اداره و نگهداری شود (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱). این مراحل تکامل عبارت‌اند از، مرحله موافقت، مرحله تحدید حدود، مرحله علامت‌گذاری، مرحله کنترل و نگهداری و در آخر نیز مرحله مدیریت مرزها (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۱۷). بر این اساس، به هر میزان مرزها مراحل تکامل را گذرانده باشند و اصطلاحاً تکامل یافته‌تر باشند، اختلافات مرزی بین دو طرف دارنده مرزها مشترک کاهش پیدا می‌کند. نگاهی به مرزهای دریایی در حوزه خلیج فارس نشان‌دهنده آن است که مرزها در این حوزه در مراحل اولیه تکامل هستند و این عدم



تکامل باعث شده که اختلافات مرزی بین کشورها در زمینه عملکرد مرزها، کنترل مرزها و ... زیاد و شدید باشد. براساس بررسی‌هایی که در منطقه آسیای مرکزی انجام گرفت می‌توان بیان کرد که این منطقه در مراحل اولیه تکامل قرار دارد؛ زیرا هنوز اختلافات بی‌شماری بین کشورها بر سر تعیین دقیق خطوط مرزی عقیدتی وجود دارد که هنوز نتیجه‌ای برای حل آن‌ها حاصل نشده است.

سن مرز: سن مرز علاوه بر تکامل مرز سبب کاهش اختلافات مرزی می‌شود. زیرا با گذشت زمان از تشکیل مرز دو طرف مرز بصورت‌های مختلف خود را با آن تطبیق می‌دهند، اختلافات، چالش‌ها و درگیری‌های بین دو کشور نیز در طول زمان روند رو به کاهشی پیدا می‌کند و زمینه برای همکاری و روابط حسنه بین دو کشور در طول مرز بیشتر می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت بین سن مرز و اختلافات مرزی رابطه معکوسی وجود دارد یعنی با افزایش سن مرز، اختلافات مرزی روند کاهشی پیدا می‌کنند. نگاهی به مرزهای آسیای مرکزی نشان دهنده آن است که مرزها در این حوزه در مراحل اولیه تکامل هستند و این عدم تکامل باعث شده که اختلافات مرزی بین کشورها در زمینه عملکرد مرزها، کنترل مرزها و ... زیاد و شدید باشد. با نگاهی به تاریخ توافق و تحدید حدود مرزهای آسیای مرکزی مشخص می‌شود که این مرزها داری سن کمی می‌باشند.

جدول ۸. قراردادهای تعیین حدود مرزها در آسیای مرکزی

تاریخ	کشورها	نتایج
۲۰۰۲	ازبکستان - تاجیکستان	تنظیم حقوقی و بین‌المللی مرزها، تأمین امنیت آن، تعمیق بیش از پیش همکاری‌ها، تقویت روحیه دوستی و حسن همجواری، احترام متقابل و برابری حقوق بین دو کشور همسایه
۲۰۰۹	ازبکستان - تاجیکستان	مربوط به تعیین حدود و علامت گذاری مرزهای بین این دو کشور، همکاری‌های دوجانبه، موضوعات تسریع هماهنگی و امضای قراردادهای بین دولتی در خصوص بازگشایی خطوط هوایی و خطوط زمینی بین المللی، فعالیت پست‌های عبوری و نظارتی، صادرات گاز ازبکستان به تاجیکستان و گشایش نمایندگی «تاجیک. ترانس. گاز»
۲۰۰۹	ازبکستان - تاجیکستان	طی آن دو طرف در مورد تعیین حدود ۹۷٪ خطوط مرزی ازبکستان و تاجیکستان به طول بیش از یک هزار و ۲۰۰ کیلومتر به توافق دست یافتند، چهار منطقه مرزی مورد بحث در ناحیه کانبادام استان سغد و راهکارهای حل و فصل اختلافات مرزی و علامت گذاری آن بررسی شد.

۲۰۱۴	ازبکستان- قرقیزستان	روز ۲۶ دسامبر سال جاری تاکنون مامیت اف، معاون نخست وزیر قرقیزستان برای مذاکرات در مورد تعیین حدود مرزهای مشترک به ازبکستان سفر کرد. در مورد ۱۰۰۷ کیلومتر خط مرز ازبکستان و قرقیزستان موافقت طرفین حاصل شد. مجموع طول مرز دولتی میان دو کشور ۱۳۷۸،۴۴ کیلومتر است و تعدادی ۵۸ منطقه یا ۳۷۱،۳۴ کیلومتر هنوز مشخص نشده است.
۲۰۱۵	ازبکستان-قزاقستان	در شهر آلماتی قزاقستان برگزار و در آن مسائل تعیین و علامت گذاری مرزهای دولتی ۲ کشور بررسی شد.
۲۰۱۵	تاجیکستان- قرقیزستان	در این نشست طیف گسترده ای مسائل مرزی، از جمله تعیین و علامت گذاری مرزهای تاجیکستان و قرقیزستان مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

منبع: نگارندگان

۱۶۱



مسائل زیست محیطی: مسائل زیست محیطی از جمله مفاهیم جدید در عرصه جهانی است و در طول دهه های گذشته به صورت های مختلف کشورها و روابط بین آنها را تحت تأثیر قرار داده و تنش ها و درگیری هایی را سبب شده است. تخریب محیط زیست سبب ایجاد شکاف های اجتماعی شده و اشکال جدیدی از تعارضات قومی و مذهبی را ایجاد خواهد نمود، به ویژه در مناطقی که اختلافات در مورد سرزمین یا مالکیت و کنترل منابع وجود داشته باشد را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد (قوام، ۱۳۸۴: ۷-۲۰). یکی از مهم ترین موضوعات سیاسی — اقتصادی دامن گیر منطقه آسیای مرکزی که چه در زمان شوروی، چه پس از فروپاشی نظام کمونیستی که بحث برانگیز و مورد استفاده گروه های معترض بوده، محیط زیست است. شرایط جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی که ناگزیر در تخصص متبوع زیست محیطی دست برتر را به برخی و مضایق را به پاره ای دیگر از آنها داده است تنها موجب بروز چالش میان خود این کشورها گردیده بلکه همسایگان آسیای مرکزی مثل چین را نیز وارد مسائل سیاسی — اقتصادی محیط زیست منطقه نموده است. در منطقه آسیای مرکزی اختلاف های سیاسی بین کشورها، نداشتن آینده نگری، فرهنگ پایین، سیستم های آبیاری قدیمی و پرمصرف، قدیمی بودن تجهیزات انتقال آب و فقر تکنولوژی، اقتصاد تک محصولی و وابستگی به کشت پنبه و توسعه آن در کنار نبود اعتماد به کشورهای همسایه برای تأمین احتیاجات و روی آوری به کشت محصولات جدید مانند برنج که با اکوسیستم آبی منطقه تناسب ندارد به همراه مجموعه ای از عوامل دیگر منجر به ناکارآمدی مدیریت، تشدید و سرعت بخشیدن به بحران آب در این منطقه

شده است. مسئله‌ای که می‌تواند در آینده نزدیک به مهم‌ترین بحران زیست‌محیطی در منطقه تبدیل شود.

ب) سطح بندی اختلافات در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی

انجام روش پژوهش طی ۵ گام صورت گرفته است.

گام ۱: اولین مرحله، تنظیم و تکمیل پرسشنامه توسط ۳۰ نفر از متخصصان مرتبط با موضوع مورد بحث در پژوهش می‌باشد. در این مرحله، پرسش‌شوندگان به متغیرهای مورد نظر پژوهش بر مبنای درجه اهمیت آن‌ها در یک طیف شانزده تایی (بالاترین وزن = رتبه ۱ و پایین‌ترین وزن = رتبه ۱۶) امتیاز داده‌اند که شرح آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۹. فراوانی رتبه‌ها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	مجموع
اختلافات ارضی	25	4	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	30
اختلافات مرزی	1	2	27	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	30
منابع مشترک مرزی	4	24	2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	30
موقعیت ژئواکونومیک	0	0	0	27	2	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	30
موقعیت ژئواستراتژیک	0	0	0	2	28	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	30
سیاست خارجی متعارض	0	0	0	0	0	1	26	3	0	0	0	0	0	0	0	0	30
استراتژی امنیتی متعارض	0	0	0	0	0	0	2	26	2	0	0	0	0	0	0	0	30
عملکرد مرزها	0	0	0	1	0	28	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	30
مسائل زیست محیطی	0	0	0	0	0	0	0	0	0	24	4	1	1	0	0	0	30
بحران مشروعیت در کشورهای منطقه	0	0	0	0	0	0	1	1	28	0	0	0	0	0	0	0	30
حضور و دخالت نیروهای مداخله‌گر	0	0	0	0	0	0	0	0	0	2	26	2	0	0	0	0	30
پایداری اسلامی	0	0	0	0	0	0	0	0	0	4	0	26	0	0	0	0	30
روحیه و شخصیت رهبران کشورها	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	26	2	۱	0	۳۰
سن مرز	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	3	27	30
تکامل مرز	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	2	25	2	30
مسائل فونی-ژئودی	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	2	26	1	1	30

منبع: نگارندگان

گام ۲: در این مرحله، بر اساس بالاترین فراوانی هر رتبه‌ریا، متغیرها را رتبه‌بندی کرده و با استفاده از فرمول $(n-r_j+1)$ به آن‌ها وزن می‌دهیم. در این فرمول، n برابر با بالاترین رتبه و r_j برابر با رتبه متغیر مورد نظر است. سپس با تقسیم وزن هر متغیر بر مجموع اوزان، وزن استاندارد هر متغیر به دست می‌آید.

جدول ۱۰. استاندارد سازی اوزان

	$\bar{x}_1$	$\bar{x}_2$	$\bar{x}_3$	$\bar{x}_4$	$\bar{x}_5$	$\bar{x}_6$	$\bar{x}_7$	$\bar{x}_8$	$\bar{x}_9$	$\bar{x}_{10}$	$\bar{x}_{11}$	$\bar{x}_{12}$	$\bar{x}_{13}$	$\bar{x}_{14}$	$\bar{x}_{15}$	$\bar{x}_{16}$
اختلافات ارضی	1	0.16	0.03	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
اختلافات مرزی	0.04	0.08	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
منطق مشترک مرزی	0.16	1	0.07	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
مقیاسیت ژئوپلیتیکی	0	0	0	1	0.07	0.03	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
مقیاسیت ژئواستراتژیکی	0	0	0	0.07	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
سیاست خارجی متعارض	0	0	0	0	0	0.03	1	0.11	0	0	0	0	0	0	0	0
استراتژی اجتنابی متعارض	0	0	0	0	0	0	0.07	1	0.07	0	0	0	0	0	0	0
عملکرد مرزها	0	0	0	0.03	0	1	0.03	0	0	0	0	0	0	0	0	0
مسائل زیست محیطی	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0.15	0.03	0.03	0	0	0	0
بحران مشروعیت در کنفرانس منطقه	0	0	0	0	0	0	0.03	0.03	1	0	0	0	0	0	0	0
حضور و دخالت نیروهای عداوتی	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.08	1	0.07	0	0	0	0
بیمه‌گری آسانی	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.15	0	1	0	0	0	0
رواجه و شخصیت رهبران کشورها	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.03	1	0.07	0.04	0	0
من در	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.12	1
تکامل مرز	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.03	0.07	1	0.07
مسائل فوجی-تجاری	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.07	1	0.04	0.03

منبع: نگارندگان

گام ۳: در این مرحله به استاندارد سازی مقادیر متغیرها می‌پردازیم.

$$rij = \frac{Xij}{Xj \max}$$

فرمول استاندارد سازی متغیرها عبارت است از: $rij = \frac{Xij}{Xj \max}$ در این فرمول، Xij برابر با مقدار متغیر مورد نظر، و $Xj \max$ برابر با بالاترین مقدار در ستون متغیرها است.

گام ۴: سپس، مقدار هر متغیر از طریق فرمول SAW محاسبه می‌شود: (w_i و r_{ij} به ترتیب نشان دهنده وزن استاندارد و مقدار استاندارد هر متغیر می‌باشد)

$$A = \{A_i | \max \sum w_i . r_{ij} \}$$

جدول ۱۱. محاسبه فرمول SAW

معیار	$\frac{X_{11}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{12}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{13}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{14}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{15}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{16}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{17}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{18}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{19}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{110}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{111}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{112}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{113}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{114}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{115}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{116}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{117}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{118}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{119}}{X_{1 \max}}$	$\frac{X_{120}}{X_{1 \max}}$
آلودگی آب	0.12	0.0152	0.0036	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.1428
آلودگی هوا	0.0044	0.0038	0.11	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.1232
میان متوسط	0.016	0.1	0.007	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.123
پایه	0	0	0	0.1	0.007	0.005	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.11
پایه	0	0	0	0.005	0.09	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0945
سخت قریب	0	0	0	0	0	0.0004	0.08	0.0084	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0912
سخت قریب	0	0	0	0	0	0	0.0048	0.07	0.0048	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0798
علاقه مرز	0	0	0	0.0021	0	0.07	0.0021	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0742
مکانیست	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.05	0.009	0.0015	0.0015	0	0	0	0	0	0	0.0728
هزینه مدیریت	0	0	0	0	0	0	0.0025	0.0025	0.05	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.053
مصرف	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0052	0.04	0.0028	0	0	0	0	0	0	0	0.046
مصرف	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0054	0	0.04	0	0	0	0	0	0	0	0.0454
مصرف	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0029	0.05	0.0021	0.0012	0	0	0	0	0.0442
مصرف	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0024	0.02	0.0024	0	0.0024
مصرف	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0005	0.0007	0.02	0.0007	0.0217	0	0.0217
مصرف	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0007	0.02	0.0004	0.0005	0.0005	0	0.0004

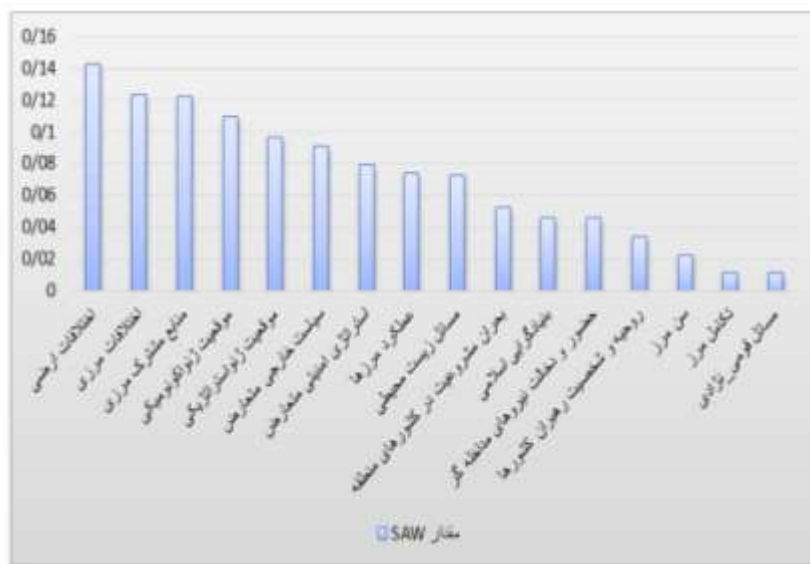
منبع: نگارندگان

گام ۵: در نهایت، مقادیر به دست آمده را از بیش‌ترین به کمترین مرتب می‌کنیم. لازم به ذکر است هرچه مقدار به دست آمده برای تغییری بیش تر باشد، وزن و اهمیت آن متغیر در اختلافات مرزی منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی بیش تر است.

جدول ۱۲. سطح بندی نهایی

مقدار SAW	
0.1428	اختلافات ارضی
0.1232	اختلافات مرزی
0.123	منابع مشترک مرزی
0.11	موقعیت ژئواکونومیکی
0.0963	موقعیت ژئواستراتژیکی
0.0912	سیاست خارجی متعارض
0.0798	استراتژی امنیتی متعارض
0.0742	عملکرد مرزها
0.0726	مسائل زیست محیطی
0.053	بحران مشروعیت در کشورهای منطقه
0.0464	بنیادگرایی اسلامی
0.046	حضور و دخالت نیروهای مداخله گر
0.0342	روحیه و شخصیت رهبران کشورها
0.0224	سن مرز
0.0117	تکامل مرز
0.0114	مسائل قومی-نژادی

منبع: نگارندگان



نمودار ۱: سطح بندی اختلافات مرزی در آسیای مرکزی با استفاده از تکنیک SAW

نتیجه گیری

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آسیای مرکزی را به یکی از مراکز توجه عمده سیاست بین‌الملل تبدیل کرد. با وجود این، موفقیت جغرافیایی آن تا حدودی مبهم است چرا که ضابطه‌های متعددی برای تعریف منطقه‌ای که به صورت تاریخی پیوسته در حال تغییر بوده و دارای هندسه‌ای متنوع می‌باشد، وجود دارد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری‌های آسیای مرکزی به منظور کسب استقلال، نیازمند یک نهاد دولتی مقتدر برای اداره جامعه بود، اما این امر به دلیل اینکه جمهوری‌ها مدت‌ها تحت حکومت اتحاد شوروی اداره می‌شد، بسیار دشوار بود. یکپارچه کردن جامعه نیازمند ساختارهای دولتی از جمله: قانون اساسی، امور مقننه، مجریه و قضائیه ابزاری برای پیشبرد دیدگاه‌های سیاسی (انتخابات) می‌باشد. اما کشوری که به شدت تحت تأثیر اقدامات سیاسی و اقتصادی کشور دیگر قرار دارد به دشواری می‌تواند ادعای استقلال نماید. این جمهوری‌ها در راستای کسب استقلال مالی و اداری اقداماتی را انجام دادند. اولین اقدام، ایجاد پول‌های ملی بود تا بتوانند وابستگی خود را از روسیه قطع کنند. گرچه برخی از

این جمهوری‌ها در این زمینه همگام با روسیه بودند. دومین اقدام در این زمینه افزایش تجارت بود. افزایش تجارت و مبادله کالا در میان خود جمهوری‌ها با یکدیگر بود و یا با برخی از کشورهای دیگر غیر از روسیه بود. مشکل اساسی این جمهوری‌ها این بود که آن‌ها تنها تولید کننده مواد اولیه‌ای بودند که باید در دیگر نقاط کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به فرآورده تبدیل کنند. بنابراین به دنبال ایجاد روابط دوباره با روسیه و دیگر اعضای اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع بودند. به این ترتیب لحن استقلال‌طلبانه رهبران جمهوری‌ها پس از مدتی شکل ملایم‌تری به خود گرفت. از بُعد نظامی گرچه این جمهوری‌ها پس از مذاکرات طولانی در پی ایجاد تشکیل ارتش‌های ملی بودند. اما همچنان نیروهای نظامی روسیه در این جمهوری‌ها مستقر هستند و این امر استقلال واقعی آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. مؤلفه دولت‌سازی در آسیای مرکزی، در ارتباط با مشروعیت سیاسی رهبران آن‌ها بود. خطوط فکری و گرایش‌های مختلف، می‌توانست تمام تلاش‌ها را برای تشکیل دولت از بین ببرد. آنچه که مهم است این است که رابطه سران حکومت با اقلشار مختلف جامعه در نظام کمونیستی اقتدارگرایانه، به شکل انقیادآمیز بود، لذا پس از فروپاشی اتحاد شوروی، احتمال نزدیک شدن هویت فرهنگی رهبران به پیروانشان فراهم شد ولی با این حال روابط رهبران با مردم همچنان یک جانبه باقی ماند. به همین دلیل گسترش انتظارات مردم از نظام‌های سیاسی خود در این جمهوری‌ها رهبران این جمهوری‌ها را به تلاش برای سازگاری با مردم واداشته است. تردیدی وجود ندارد که گروه‌های اسلام‌گرای تندرو، از مهم‌ترین تهدیدات فراروی کشورهای آسیای مرکزی هستند؛ چالشی که با خروج نیروهای ناتو از افغانستان و از سوی دیگر، همکاری‌های آشکار و پنهان قدرت‌های غربی با جریان‌های افراط‌گرا در سراسر منطقه و تداوم قمار خطرناک آن‌ها روی گروه‌های بدنام و مخرب که آسیای غربی تا شبه‌قاره هند و از سوی دیگر از شمال آفریقا تا نیجریه را تحت‌تاثیر تکان‌های خویش قرار داده‌اند، وضعیت بغرنجی را فراروی امنیت و ثبات در کشورهای این منطقه قرار داده است. آسیای مرکزی ذخایر بزرگی از منابع تجدیدناپذیر مانند نفت، گاز و آب دارد. موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی در کل، طی چند قرن متمادی نقشی استراتژیک در تجارت میان اروپا و آسیا ایفا نموده است. بنابراین منطقی است که بازیگران بین‌المللی



و منطقه‌ای بکوشند تا با تاکید بر منافع خود به طور مستقیم و یا با اتخاذ یک استراتژی غیرمستقیم، برای تأثیر گذاشتن بر کشورها داشته باشند. در نهایت کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان) با چالش‌های امنیتی مشترکی مثل جنایت، فساد، تروریسم، آلودگی زیست محیطی، دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اختلافات نژادی قومی و وجود گروه‌های تندروی مذهبی مواجهه بوده و در زمینه اجرای تعهدات خود برای اصلاحات اقتصادی و دموکراتیک با مشکلات فراوانی مواجه هستند.



شکل ۱. سطح بندی عوامل مؤثر بر اختلافات مرزی در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای

منابع

- آیدین، م، (۱۳۸۱)، «ریشه‌های داخلی بی ثباتی در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۹، صص ۱۷۲-۱۵۹.
- اطهری، س (۱۳۷۳)، «تاجیکستان: نو سازی و دگرگونی سیاسی»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۴
- اعظمی، ه، دبیری، ع (۱۳۹۱)، «ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ایران در آسیای مرکزی»، **فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی**، دانشگاه آزاد واحد اهر، سال ۱۲، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۵-۴۶.
- امیر احمدیان، ب، رضا زاده، ح (۱۳۹۱)، «مؤلفه‌های داخلی مؤثر بر سیاست خارجی تاجیکستان»، **فصلنامه آسیای مرکزی قفقاز**، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۹۱، صص ۳۵-۵۵.
- بونش رضائی، ف (۱۳۹۰)، **تاجیکستان و حل اختلافات مرزی با چین**، گارش IPSC-مرکز بین‌المللی مطالعات صلح در خرداد ۱۳۹۰، ۷.
- ترابی، ق (۱۳۸۶)، «ساختار و توانمندی نظامی کشورها: قرقزستان»، **ماهنامه اطلاعات راهبردی**، سال هشتم، شماره ۸۹، صص ۸۰-۶۳.
- تهامی، س (۱۳۸۴)، **امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی**، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتشی جمهوری اسلامی ایران.
- تقوایی نیا، آ (۱۳۸۹)، **همکاری نظامی ازبکستان با امریکا و ناتو**، بازیابی در <http://islamworld2020.persianblog.ir/post/406/>
- سنایی، م (۱۳۸۳)، «منابع انرژی محور عمده رقابت و همکاری در حوزه آسیای مرکزی، خزر»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، سال سیزدهم، شماره ۴۷، صص ۱۶۸-۱۵۷.
- شوتار، س (۱۳۸۶)، **شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی**، انتشارات سمت.
- شیرازی، آ و مجیدی، ح (۱۳۸۲)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، تهران: نشر قوس.
- شریانی، ق (۱۳۸۷)، **امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی**، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات وزارت امور خارجه.



شفیعی، ن (۱۳۹۰)، «مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه‌ها (واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌نگاری)»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۲۸۵.

شوکتی، ت (۱۳۷۳)، «موقعیت ژئوپلتیک و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی در دهه ۹۰ و چشم اندازهای توسعه آن‌ها»، ترجمه شاهرخ بهار، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۵.

دهاقانی، ج (۱۳۸۳)، **بحران مشروعیت در نظام سیاسی اسرائیل**، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس

درایسدل، ج (۱۳۷۴)، **جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا**. (دره میرحیدر، مترجم). تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

حیدری، غ (۱۳۷۲)، **ویژگی‌های ژئوپلتیکی آسیای مرکزی**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع.

جان‌پرور، م (۱۳۹۱)، **تبیین الگوی مدیریت مرز دریایی مورد: خلیج فارس (رساله دکتری)**. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ربیعی، ح و جان‌پرور، م (۱۳۹۱)، «بازنمایی مدل تحلیلی برای حل و فصل اختلاف‌ها و منازعات سرزمینی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهارم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۵۴.

زارع، ع (۱۳۸۰)، **مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران**، ۱۳۷۵ - ۱۳۵۷، تهران: مؤسسه فرهنگ و دانش.

زرقانی، س (۱۳۸۶)، **مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی**، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

کاراجیانس، آ (۱۳۹۱)، **اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی**، به ترجمه مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، شعبه خراسان، چاپ اول، قم: نشر بوستان کتاب.

کاشانی، ج (۱۳۸۷)، «وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز واقع در مرز کشورها»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور

مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۵، شماره ۳۹، صص ۲۱۹-۱۶۵.

کاظمی، ح و نظامی، م (۱۳۸۹)، «زمینه‌های تاریخی شکلگیری بحران‌های قوم‌گرایی، محلی‌گرایی و بنیادگرایی در آسیای مرکزی»، **فصلنامه مطالعات میان فرهنگی**، سال ۶، شماره ۱۴، صص ۱۱۱-۱۳۸.

کامران، ح و کریمی پور، ی (۱۳۸۳)، «بسترهای جغرافیایی تهدیدهای بیرونی مطالعه موردی: حاشیه دریای مازندران»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**

کربا سیان، م؛ خبوشانی، آ؛ جوانمردی، م و زنجیرچی، سید (۱۳۹۰)، «کاربرد مدل (ISM) جهت سطح‌بندی شاخص‌های انتخاب تأمین‌کنندگان چابک و رتبه‌بندی تأمین‌کنندگان با استفاده از روش TOPSIS-AHP فازی»، **مجله علمی پژوهشی مدیریت تولید و عملیات**، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۷-۱۲۲.

کولایی، آ (۱۳۸۴)، **بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی زمینه‌ها و چشم اندازها**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کولایی، آ (۱۳۷۶)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، تهران: انتشارات سمت.

کولایی، آ و عزیزی، ح (۱۳۹۲)، «تحولات سیاست خارجی ترکمنستان اصل بی طرفی مثبت در عرصه نظر و عمل» **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۹۶-۱۷۳.

کمپ، ج و هارکاو، (۱۳۸۳)، **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**. (سیدمهدی حسینی‌متین، مترجم) تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عطایی، ف و کوزه گر کالجی، و (۱۳۹۱)، «تأملی بر سیاست خارجی جمهوری ازبکستان از منظر نظریه پیوستگی»، **فصلنامه آسیای مرکزی قفقاز**، شماره ۷۸، صص ۱۳۶-۱۰۷.

لیپست، س و ترجمه فانی (۱۳۸۳)، **دایره‌المعارف دموکراسی**، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.

مجتهدزاده، پ (۱۳۷۶)، «جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت‌ها»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۲۰-۱۱۹.

میرعباسی، س و جهانی، ف (۱۳۹۰)، «رژیم حقوقی بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۶۱.

هاشمی، ف.م (۱۳۹۳)، جایگاه آسیای مرکزی در چالش قدرت‌ها، روزنامه سرمایه، منبع
china and Eurasia Forum Quarterly
ورتکین، دم، نیروهای مسلح قزاقستان پس از استقلال، فصلنامه بررسی‌های نظامی -
شماره ۲۰، قابل‌بازایی در <http://dsrc.ir/View/article.aspx?id=819>
یزدانی، ع (۱۳۸۷)، «همکاری‌ها و اتحادها در منطقه آسیای مرکزی: نگاه حکومت‌های
منطقه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۱، بهار.

Bohr, Annette (2004), *Regionalism in Central Asia: New Geopolitics, Old Regional Order*, **International Affairs Royal Institute of International Affairs**, Volume 80, Issue 3, pp 485-502

Glassner martin, fahrer chuck (2004), (*Political geography.usa: johnwiley7sons*.
Ins

Goertz, G. and Diehl, P. (1992), *Territorial Changes and International Conflict*,
Routledge, London.

Perscott, J.V (1987), *political frontiers & boundaries*. London.

Perscott, J.V; Clive Schofield (2008), *The Maritime Political Boundaries of the World*. 2nd edition. Martinus Nijhoff Publishers

<http://www.ngdir.ir/GeoportalInfo/PSubjectInfoDetail.asp?PID=631&index=1>
19

<http://www.khabarfarsi.com/news-551385.htm>

<http://academ.aknet.kg>

<http://www.torghabehonline.com/news/detail.asp?id=1044>

<http://www.iransharghi.com/index.php?newsid=3203>

